

جدولِ بن‌هایِ فعلِ در زبانِ پارسی

نگارشِ دکتر نویدِ فاضل

ستون‌های جدول:

- **گروه:** فعل‌های ناخودایستای هم‌خانواده در جدول زیر در گروه‌های شماره‌گذاری شده دسته‌بندی گشته‌اند.
- **ریشه‌ی فعل (= verbal root):** این ستون ریشه‌ی فعلی را بر می‌شمارد که در پارسی به کار رفته باشند، چه ریشه‌ی پارسی داشته باشند چه ریشه‌ی بیگانه. این ریشه‌های فعل در پارسی تک‌واژ وابسته به شمار می‌روند و نمی‌توانند ساختار وندی باشند (وند تصریفی ای مانند پیش‌وند /be-/ و /næ-/ یا پس‌وند /-æn/ و /-ɒn/ ندارند)، ولی می‌توانند وندی با ریشه‌ی پارسی میانه در خود داشته باشند، مانند /d-/ در «آرام»، /æf-/ در «افکن» و /pæʒ-/ در «پژمر».
- شکل راستین ریشه‌های فعل اثبات نشده، چون در این نقش به صورت آزاد به کار نمی‌روند.
- **بن حال (= present participle):** بیشتر همان چهره‌ی ریشه‌ی فعل را دارد، ولی گروهی از بن‌های حال از راه دگر‌دیسی (دگر‌دیسی واکه‌ای (جانشین‌ی هند و اروپائی واکه‌ها) و واکن‌دار کردن هم‌خوان‌های سایشی بر پایه‌ی قانون وزن) به دست می‌آیند.
- **دگر‌دیسی (= mutation):** دگر‌گونی‌های آوایی در ساختار بن حال «—» = برساختن کم و بیش بی‌قاعدگی بن حال).
- **مصدر (= infinitive):** مصدرهای این ستون از راه افزودن پس‌وند دندانی /-tæn/ به ریشه‌های فعل یا بن‌های حال ستون‌های پیشین (گاهی به هم‌راهی آوهای میانجی) به دست می‌آیند. از بن‌های گذشته در این جدول یاد نشده، چون ساختارشان پیرو همان دستورهای ساختن مصدرست، ولی با پس‌وند دندانی /-t/.
- بن نقلی و گمانی نیز در این جدول نیامده‌اند، چون که ساختار وندی بن گذشته هستند.
- **مصدر جای‌گزین:** چندآوایی ترکیبی و آزاد در کانون پس‌وندهای دندانی /-tæn/ و /-t/ در پارسی به پدید آمدن مصدرها و بن‌های گذشته‌ی نوین می‌انجامد: چهره‌ی باقاعده‌ی این فعل‌های ناخودایستا (که برساخته‌ی ریشه‌های فعل یا بن‌های حال هستند) می‌توانند از این راه چهره‌ی دیگر به خود بگیرند که به جای واکه‌های بلند /d/، /i/ و /u/، واج‌گونه‌های کوتاه‌شان [æ]، [e] و [o] بنشینند (نگاه کنید به جستار ۱۲×۱×آ).
- **مصدر برساخته:** مصدرهایی که برساخته‌ی بن‌های حال برساخته هستند:
- در پارسی می‌توان از بن‌های حال (و گاه بن‌های گذشته) به یاری پس‌وند تصریفی /-ɒn/ بن‌های حال تازه ساخت (نگاه کنید به جستار ۲۰×۲×پ). در این روند بیشتر این دگرگونی‌ها به چشم می‌خورند:
 - فعل‌های ناخودایستای لازم تبدیل به بن‌های حال متعددی می‌شوند، و
 - بن‌های متعددی فعل به بن‌های حال سببی.
- در به‌کارگیری پس‌وند تصریفی /-ɒn/ در این نقش محدودیتی در کار نیست و بن‌های حالی که در این جدول آمده‌اند تنها نمونه‌هایی هستند که مصدرهایشان در فرهنگ‌ها ثبت شده‌اند. ولی کاربرد پس‌وند تصریفی /-æn/ با بن‌های حال بسیار کم‌یاب‌ست (نگاه کنید به جستار ۲۰×۲×پ). در این روند، بن‌های حال متعددی تبدیل به بن‌های حال لازم می‌شوند.
- **مصدر تصحیفی:** مصدرهایی که در فرهنگ‌های پارسی از آن‌ها یاد شده، ولی به احتمال بسیار از راه تصحیف (بیشتر به گونه‌ی نقطه‌گذاری (= diacritical marking) نادرست) پدید آمده‌اند.

گروه	ریشه	بن حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای گزین / برساخته / تصحیفی
۱	[ɒbɒdɒn]	آبادان [ɒbɒdɒn]		آبادانیدن [ɒbɒdɒnɪdæn]	
۲	[ɒbeʃ]	آبش ^۱ [ɒbeʃ]		آبشتن [ɒbeʃtæn]	جای گزین: آبشتن [æbeʃtæn]
۳	[ɒdʒɒr]	آچار [ɒdʒɒr]		آچاریدن [ɒdʒɒrɪdæn]	
۴	[ɒdʒ]	آج [ɒdʒ]		آجدن، آجیدن [ɒdʒdæn], [ɒdʒedæn], [ɒdʒɪdæn]	
۵	[ɒdʒ]	آج [ɒdʒ]		آجستن ^۲ [ɒdʒestæn]	
۶	[ɒʃɒr]	آچار [ɒʃɒr]		آچاردن، آچاریدن [ɒʃɒrdæn], [ɒʃɒrɪdæn]	
۷	[ɒx]	آز [ɒz]	[x] → [z]	آختن [ɒxtæn]	جای گزین: آختن [æxtæn]
۸	[ɒrɒ]	آرا، آرای [ɒrɒ]		آراستن، آرانیدن، آراییدن [ɒrɒstæn], [ɒrɒɪdæn], [ɒrɒjɪdæn]	جای گزین: آراستن، آراستن [præstæn], [æræstæn]
۹	[ɒrɒm]	آرام [ɒrɒm]		آرامدن، آرامیدن [ɒrɒmedæn], [ɒrɒmɪdæn]	جای گزین: آرامدن، آرامیدن، آرامیدن ^۳ [præmidæn], [æræmidæn] برساخته: آرامانیدن [ɒrɒmɒnɪdæn]
۱۰	[ɒr]	آر [ɒr]	—	آردن [ɒrdæn]	
۱۱	[ɒr]	آر [ɒr]		آرستن [ɒrestæn]	جای گزین: آرستن [ærestæn]
۱۲	[ɒrɒʃ]	آرغ [ɒrɒʃ]		آرغدن، آرغیدن [ɒrɒʃdæn], [ɒrɒʃɪdæn]	جای گزین: آرغیدن [æroʃɪdæn]
۱۳	[ɒzɒr]	آزار [ɒzɒr]		آزاردن، آزاریدن [ɒzɒrdæn], [ɒzɒrɪdæn]	جای گزین: آزاردن [ɒzærdæn]
۴	[ɒz]	آز [ɒz]		آزدن، آزیدن [ɒzdæn], [ɒzedæn], [ɒzɪdæn]	جای گزین: آزدن [æzdæn], [æzedæn]

^۱ اگر این مصدر معنی «آب ریختن، آب انداختن» هم بدهد (برای نمونه در «آبشتن گاه»، «آبش خوار» و «آبش خور» می توانند برساخته های این بن حال باشند.

^۲ چون معنی این فعل «مورد کشت قرار دادن» است (برای نمونه در «باغ نوآجسته» = «باغی که درختان آن را نو نشانده باشند»)، «شمع آجین» و «تیر آجین» می توانند برساخته های بن اسمی «آجین» باشند.

^۳ در فرهنگ ها با ادای /bræmedæn/ هم آمده است، شاید به الگوی مصدر هم ریشه اش /brɒmedæn/.

ولی چون آوای میانجی /e/ برای دگرگونی بافت /æcɪcɪ/ (در این جا /æmd/) به کار نمی رود (نگاه کنید به جستار ۱×۲۰)، ادای /bræmdæn/ درست ترست.

از این گذشته، بن نقلی این مصدر تنها بی آوای میانجی (با ادای /bræmdæ/) آمده است. برای نمونه:

چوبیدار باشی تو، خواب آیدم / چو آیمده باشی شتاب آیدم (فردوسی)

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۱۴	[ɒzmu]	آزما، آزمای	[ɒzmp], [ɒzmpj]	آزمودن	[ɒz mudæn]
۱۵	[ɒzæn]	آزن	[ɒzæn]	آزندن، آزنیدن، آزندیدن	[ɒzændæn], [ɒzænidæn], [ɒzændidæn]
۴	[ɒʒ]	آژ	[ɒʒ]	آژدن، آژیدن	[ɒʒdæn], [ɒʒedæn], [ɒʒidæn]
۱۶	[ɒʒæn]	آژن	[ɒʒæn]	آژندن، آژندیدن	[ɒʒændæn], [ɒʒændidæn]
۱۷	[ɒʒɪr]	آژیِر	[ɒʒɪr]	آژیِریدن	[ɒʒɪridæn]
۱۹	[ɒsey]	آسغ	[ɒsey]	آسغدن	[ɒseydæn]
۲۰	[ɒsoy]	آسغ	[ɒsoy]	آسغدن	[ɒsoydæn]
۱۸	[ɒsæy]	آسغ	[ɒsæy]	آسغدن، آسغیدی	[ɒsæydæn], [ɒsæydidæn]
۲۱	[ɒsu]	آسا، آسای	[ɒsp], [ɒspj]	آسودن، آسائیدن، آساییدن	[ɒsɒnidæn], [ɒsɒjɒnidæn], [ɒsɒnidæn]
۲۲	[ɒʃɒm]	آشام	[ɒʃɒm]	آشامیدن	[ɒʃæmidæn] [ɒʃɒmɒnidæn]
۲۳	[ɒʃkux]	آشکوخ ^۴	[ɒʃkux]	آشکوخیدن	[ɒʃkuxidæn]
۲۴	[ɒʃɪr]	آشور	[ɒʃɪr]	آشوردن، آشوریدن	[ɒʃɪrdæn], [ɒʃɪridæn]
۲۵	[ɒʃɪf]	آشوب	[ɒʃɪf]	آشوفتن، آشوبیدن	[ɒʃɪftæn], [ɒʃɪbidæn]
۲۶	[ɒʃpɒz]	آغاز	[ɒʃpɒz]	آغازیدن	[ɒʃpɒzidæn]
۲۷	[ɒʃɒl]	آغال	[ɒʃɒl]	آغالیدن	[æʃɒlidæn]
۲۸	[ɒʃɒn]	آغان	[ɒʃɒn]	آغاندن	[ɒʃændæn]

^۴ این بنِ حال واک‌دار کردن هم‌خوان سایشی /x/ به /z/ پس از واکه‌های بلند /i/, /e/ و /u/ به کار نرفته (نگاه کنید به جستار ۱ خ.ت.).

آشکوخد بر زمین هموار بر هم‌چون آن چون بر زمین دشخوار بر (رودکی)

شاید «آشکوخ» بانگ باشد، و همین ویژگی مایه‌ی این استثنا شده باشد.

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر‌دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۲۹	[vɥæs]	آغن	[vɥæn]	آغستن، آغندن	[vɥæstæn], [vɥændæn]
۲۸	[vɥæf]	آغار ^۶	[vɥɔɾ]	آغستن ^۷ ، آغاردن، آغاریدن	[vɥæɾdæn], [ævɔɾdæn], [vɥærdæn]
۳۰	[vɥu]	آغوش	[vɥu]	آغوشتن، آغوشیدن	[vɥuʃtæn], [vɥuʃidæn]
۲۸	[vɥun]	آغون	[vɥun]	آغوندن، آغونیدن	[vɥundæn], [vɥunidæn]
۳۱	[vɥæri]	آفرین	[vɥærin]	آفریدن	[vɥæridæn]
۳۲	[vɥænd]	آفند	[vɥænd]	آفندیدن	[vɥændidæn]
۳۳	[vɥæʃɒn]	آکشان	[vɥæʃɒn]	آکشاندن، آکشانیدن	[vɥæʃɒndæn], [vɥæʃɒnidæn]
۲۹	[vɥæɳ]	آکن	[vɥæɳ]	آکندن، آکنیدن	[vɥæɳdæn], [vɥæɳidæn]
۳۵	[vɥki]	آکیش	[vɥki]	آکیشیدن	[vɥkiʃidæn]
۳۴	[vɥgɒh]	آگاه	[vɥgɒh]	آگاهیدن	[vɥgɒhidæn], [vɥgɒhɒnidæn]
۲۸	[vɥæf]	آغار ^۷	[vɥɔɾ]	آگشتن	[vɥæʃtæn]
۲۹	[vɥæɳ]	آگن	[vɥæɳ]	آگندن، آگنیدن	[vɥæɳdæn], [vɥæɳidæn]

^۵ شاید مصدر «آغستن» دست‌آورد چندآوایی ترکیبی در مصدری از میان رفته «آغاشتن» (از ریشه‌ی فعل /vɥɒʃ/، نگاه کنید به جستار ۱۲×۱×۱. دگرگونی واکه‌ی /v/ به واج‌گونه‌ی [æ] پیش از هم‌خوان‌های لثوی واک‌دار در راستای چندآوایی ترکیبی) باشد، و این بنِ حال از راه دگر‌دیسی پدید آمده باشد (نگاه کنید به ۱×۱×۱. واک‌دار کردن هم‌خوان سایشی /ʃ/ به /t/ پس از واکه‌ی /v/).

^۶ ادای /vɥoʃtæn/ نیز بسیار رایج‌ست، و در ادبیات هم برای /vɥæʃtæn/ و هم برای /vɥoʃtæn/ گواه به چشم می‌خورد:

دو هفته سپهر اندر این گشته شد / به فرجام، چرم خر آغشته شد (فردوسی)

از ایرانیان من بسی گشته‌ام / زمین را به خون چون گل آغشته‌ام (فردوسی)

^۷ سان گمانی که در باره‌ی بن «آغار» زدیم، شاید مصدر «آگشتن» دست‌آورد چندآوایی ترکیبی در مصدری از میان رفته «آگاشتن» (از ریشه‌ی فعل /vɥɒʃ/، نگاه کنید به جستار ۱۲×۱×۱. دگرگونی واکه‌ی /v/ به واج‌گونه‌ی [æ] پیش از هم‌خوان‌های لثوی واک‌دار در راستای چندآوایی ترکیبی) باشد، و این بنِ حال از راه دگر‌دیسی پدید آمده باشد (نگاه کنید به ۱×۱×۱. واک‌دار کردن هم‌خوان سایشی /ʃ/ به /t/ پس از واکه‌ی /v/).

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۳۰	[ɒgu]	آگوش [ɒgu]		آگوشیدن [ɒguʃɪdæn]	
۳۴	[ɒgæh]	آگه [ɒgæh]		آگهیدن [ɒgæhɪdæn]	بر ساخته: آگهانندن، آگهانیدن [ɒgæhɒndæn], [ɒgæhɒnidæn]
۳۵	[ɒgi]	آگیش [ɒgi]		آگیشیدن [ɒgiʃɪdæn]	
۱۲	[ɒloy]	آلغ [ɒloy]		آلغدن [ɒloydæn]	
۳۶	[ɒlof]	آلف [ɒlof]		آلفتن [ɒloftæn]	
۳۷	[ɒlu]	آلا، آلالی [ɒlu]	[u] → [ɒ]	آلودن، آلائیدن، آلاییدن [ɒludæn], [ɒləɪdæn], [ɒləɪdæn]	
۳۸	[ɒliz]	آلیز [ɒliz]		آلیزدن، آلیزیدن [ɒlɪzdæn], [ɒlɪzɪdæn]	
۳۹	[ɒmɒr]	آمار [ɒmɒr]		آماردن، آماریدن [ɒmɒrdæn], [ɒmɒrɪdæn]	
۴۰	[ɒmɒs]	آماس [ɒmɒs]		آماسیدن [ɒmɒsɪdæn]	بر ساخته: آماسانیدن [ɒmɒsɒnidæn]
۴۰	[ɒmɒh]	آماه [ɒmɒh]		آماهیدن [ɒmɒhɪdæn]	بر ساخته: آماهانندن، آماهانیدن [ɒmɒhɒndæn], [ɒmɒhɒnidæn]
۴۱	[ɒmæ]	آ [ɒ]	—	آمدن [ɒmædæn]	
۴۲	[ɒmorz]	آمرز [ɒmorz]		آمرزیدن [ɒmorzɪdæn]	
۴۳	[ɒmux]	آموز [ɒmuz]	[x] → [z]	آموختن، آموزیدن [ɒmuxtæn], [ɒmuzɪdæn]	جای‌گزین: آمختن [ɒmoxɪdæn] بر ساخته: آموزانندن، آموزانیدن [ɒmuzɒndæn], [ɒmuzɒnidæn]
۴۴	[ɒmu]	آما، آمای [ɒmu]	[u] → [ɒ]	آمودن، آمادن [ɒmudæn], [ɒmɒdæn]	
۴۵	[ɒmix]	آمیز [ɒmiz]	[x] → [z]	آمیختن [ɒmɪxtæn]	
۴۵	[ɒmiɣ]	آمیغ [ɒmiɣ]		آمیغدن، آمیغیدن [ɒmiɣdæn], [ɒmiɣɪdæn]	
۲۹	[ɒngæn]	آنگن [ɒngæn]		آنگندن [ɒngændæn]	
۱۰	[ɒvæɾ]	آور [ɒvæɾ]	—	آوردن، آوریدن، آوردیدن [ɒvæɾdæn], [ɒvæɾɪdæn], [ɒvæɾɪdæn]	جای‌گزین: آوریدن [ævæɾɪdæn] بر ساخته: آوریانیدن [ɒvæɾɒnidæn]
۴۶	[ɒvix]	آویز [ɒviz]	[x] → [z]	آویختن [ɒvɪxtæn]	جای‌گزین: آوختن [ɒvextæn]
۴۷	[ɒv]	آو [ɒv]		آویدن [ɒvɪdæn]	
۴۸	[ɒhɒr]	آهار [ɒhɒr]		آهاردن، آهاریدن [ɒhɒrdæn], [ɒhɒrɪdæn]	
۷	[ɒhɒz]	آهاز [ɒhɒz]		آهازیدن [ɒhɒzɪdæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۷	[ɒh]	آه [ɒh]		آهتن [ɒhtæn]	
۷	[ɒhæx]	آهنج [ɒhændʒ]	[x] → [ndʒ]	آهختن، آهنجیدن [ɒhæxtæn], [ɒhændʒidæn]	
۴۸	[ɒhær]	آهر [ɒhær]		آهردن، آهریدن [ɒhærdæn], [ɒhæridæn]	
۴۹	[ɒhæŋg]	آهنگ [ɒhæŋg]		آهنگیدن [ɒhæŋgidæn]	
۷	[ɒhix]	آهیز [ɒhiz]	[x] → [z]	آهیختن [ɒhixtæn]	
۵۰	[ɒxruf]	آخروش [ɒxruf]		آخروشیدن [ɒxrufidæn]	
۵۱	[ærz]	آرز [ærz]		آرزیدن [ærzidæn]	برساخته: آرزانییدن [ærzɒnidæn]
۵۲	[ærmɒn]	آرمان [ærmɒn]		آرمانیدن [ærmɒnidæn]	
۵۳	[ɒzdu]	آزدا، آزدای [ɒzdb], [ɒzdbj]	[u] → [ɒ]	آزدودن [ɒzdudæn]	
۵۴	[esbux]	آسبوز [esbuz]	[x] → [z]	آسبوختن [esbuxtæn]	
۵۵	[espɒr]	آسپار [espɒr]		آسپاردن [espɒrdæn]	
۵۵	[espær]	آسپر [espær]		آسپردن [espærdæn]	
۵۵	[espor]	آسپر [espor]		آسپردن [esporidæn]	
۵۴	[espux]	آسپوز [espuz]	[x] → [z]	آسپوختن [espuxtæn]	
۵۶	[est]	آست [est]		آستادن، آستیدن [estɒdæn], [estidæn]	برساخته: آستانیدن [estɒnidæn]
۵۶	[estɒ]	آستا [estɒ]		آستائیدن، آستاییدن [estɒidæn], [estɒjidæn]	
۵۷	[estæ]	آستان [estɒn]	—	آستدن، آستاندن، آستانیدن [estædæn], [estɒndæn], [estɒnidæn]	
۵۸	[ostor]	آستر [ostor]		آستردن [ostordæn]	
۵۹	[ostu]	آستا، آستای [ostɒ], [ostɒj]	[u] → [ɒ]	آستودن [ostudæn]	
۵۸	[ostur]	آستور [ostur]		آستوردن [osturdæn]	
۶۰	[estih]	آستیه [estih]		آستیهیدن [estihidæn]	جای‌گزین: آستهیدن، آستهدن [estehidæn], [estehedæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۶۲	[eskiz]	اسکیز	[eskiz]	اسکیزیدن	[eskizidæn]
۶۳	[esgɒl]	اسگال	[esgɒl]	اسگالیدن	[esgɒlidæn]
۵۴	[ɛfbux]	اشبوز	[x] → [z]	اشبوختن	[ɛfbuxtæn]
۵۴	[ɛfbix]	اشبیز	[x] → [z]	اشبیختن	[ɛfbixtæn]
۵۴	[ɛfpux]	اشپوز	[x] → [z]	اشپوختن	[ɛfpuxtæn]
۵۴	[ɛfpix]	اشپیز	[x] → [z]	اشپیختن	[ɛfpixtæn]
۶۴	[ɛftɒf]	اشتاب	[f] → [b]	اشتافتن	[ɛftɒftæn]
۶۵	[ɛfkɒf]	اشکاف	—	اشکافتن	[ɛfkɒftæn]
۶۶	[ɛfkær]	اشکر	[ɛfkær]	اشکردن	[ɛfkærdæn]
۶۷	[ɛfkæs]	اشکن	[s] → [n]	اشکستن، اشکندن	[ɛfkæstæn], [ɛfkændæn]
۷۱	[ɛfkɒf]	اشکف	[ɛfkɒf]	اشکفتن، اشکفیدن	[ɛfkɒftæn], [ɛfkɒfidæn]
۶۸	[æfkux]	اشکوخ	—	اشکوخیدن	[æfkuxidæn]
۶۹	[ɔfkuh]	اشکوه	[ɔfkuh]	اشکوهیدن	[ɔfkuhidæn]
۲۳	[ɛfkuh]	اشکوه	[ɛfkuh]	اشکوهیدن	[ɛfkuhidæn]
۷۰	[ɛfgeft]	اشگفت	[ɛfgeft]	اشگفتیدن	[ɛfgeftidæn]
۷۱	[ɛfgof]	اشگف	[ɛfgof]	اشگفیدن	[ɛfgofidæn]
۷۲	[ɛfnɒx]	اشناس	—	اشناختن، اشناسیدن	[ɛfnɒxtæn], [ɛfnɒsidæn]
۷۳	[ɛfnu]	اشنو	[u] → [æv]	اشنودن، اشنویدن، اشنیدن	[ɛfnudæn], [ɛfnævidæn], [ɛfnidæn]
۷۴	[ɔylɒn]	اغلان	[ɔylɒn]	اغلانیدن	[ɔylɒnidæn]
۷۵	[æfpun]	افیون	[æfpun]	افیونستن	[æfpunestæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۷۶	[oft]	افت [oft]		افتادن، افتیدن، افتدن	برساخته: افتانیدن، افتایانیدن [oftɔnidæn], [oftɔnidæn] تصحیفی: افتن [oftæn]
۷۷	[eftɔl]	افتال [eftɔl]		افتالیدن	
۷۸	[æfd]	افد [æfd]		افدیدن	
۷۹	[æfroʊx]	افراز [æfroʊz]	[x] → [z]	افراختن، افرازیدن	برساخته: افرازانیدن [æfroʊzɔnidæn]
۸۰	[æfroʊx]	افراخ [æfroʊx]	—	افراخیدن	
۷۹	[æfroʊ]	افراز [æfroʊz]	—	افراشتن	تصحیفی: افراستن [æfroʊstæn]
۸۰	[æfroʊ]	افراش [æfroʊ]	—	افراشیدن	برساخته: افراشانیدن [æfroʊʃɔnidæn]
۸۱	[æfræn]	افرن [æfræn]		افرنیدن، افرنیدن	
۸۲	[æfrux]	افروز [æfruz]	[x] → [z]	افروختن، افروزیدن	برساخته: افروزانیدن، افروزانیدن، افروزندن [æfruzɔnidæn], [æfruzændæn]
۷۸	[æfr]	افر [æfr]		افریدن	
۸۳	[efrif]	افریب [efrib]	[f] → [b]	افریفتن	
۸۴	[æfzu]	افزا، افزای [æfzɔ]	[u] → [ɔ]	افزودن، افزائیدن، افزاییدن، افزایستن	جای‌گزین: افزاییدن، افزاندن [æfzɔjedæn], [æfzɔjedæn] برساخته: افزایانیدن، افزایندن [æfzɔjɔnidæn], [æfzɔjændæn]
۸۵	[æfzul]	افزول [æfzul]		افزولیدن	
۸۶	[æfʒu]	افژا، افژای [æfʒɔ]	[u] → [ɔ]	افژودن	
۸۵	[æfʒul]	افژول [æfʒul]		افژولیدن	برساخته: افژولانیدن [æfʒulɔnidæn]
۸۶	[æfʒ]	افژ [æfʒ]		افژیدن	
۸۶	[æfsɔr]	افسار [æfsɔr]		افساردن	
۸۸	[æfsɔn]	افسان [æfsɔn]		افساندن، افسانیدن	برساخته: افسانانیدن [æfsɔnɔnidæn]
۸۹	[æfsɔn]	افسان [æfsɔn]		افساندن	برساخته: افسانانیدن [æfsɔnɔnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
				افسانیدن	
۸۷	[æfsɒ]	افسا، افسای	[æfsɒ], [æfsɔ]	افسائیدن، افساییدن	بر ساخته: افسایانیدن [æfsɔjɒnidæn]
۹۰	[æfsɔr]	افسر	[æfsɔr]	افسردن	بر ساخته: افسرانیدن، افسرانیدن [æfsɔrɒndæn], [æfsɔrɒnidæn]
۸۶	[æfʃɒ]	افشا	[æfʃɒ]	افشادن	[æfʃɒdæn]
۸۶	[æfʃɔr]	افشار	[æfʃɔr]	افشاردن	[æfʃɔrdæn]
۸۸	[æfʃɒn]	افشان	[æfʃɒn]	افشانیدن، افشانیدن	بر ساخته: افشانانیدن [æfʃɒnɒnidæn]
۸۶	[æfʃɔr]	افشر	[æfʃɔr]	افشردن	[æfʃɔrdæn]
۹۱	[æfkɔr]	افکار	[æfkɔr]	افکاردن	[æfkɔrdæn]
۹۲	[æfkæn]	افکن	[æfkæn]	افکندن، افکنیدن	بر ساخته: افکانیدن [æfkɒnidæn]
۹۱	[æfgɔr]	افگار	[æfgɔr]	افگاردن	[æfgɔrdæn]
۹۲	[æfgæn]	افگن	[æfgæn]	افگندن	بر ساخته: افگانیدن [æfgɒnidæn]
۳۲	[æfænd]	افند	[æfænd]	افندیدن	[æfændidæn]
۹۳	[ælz]	الز	[ælz]	الزیدن	[ælzidæn]
۹۴	[ælfɔx]	الفاز	[x] → [z] [ælfɔz]	الفاختن	[ælfɔxtæn]
۹۴	[ælfæx]	الفنج	[x] → [ndʒ] [ælfændʒ]	الفختن، الفنجیدن	تصحیفی: الفختن، الفنجیدن [ælfæyɒndæn], [ælfæyɒntæn]
۹۴	[ælfæy]	الفغ، الفق	[ælfæy]	الفغدن، الفقدن	تصحیفی: الفخدن [ælfæxdæn]
۹۴	[ælfæn]	الفن	[ælfæn]	الفندن، الفندیدن	تصحیفی: الفندن [ælfændæn], [ælfændidæn]
۹۴	[ælf]	الف	[ælf]	الفیدن	[ælfidæn]
۹۵	[æmdʒæx]	امجنج	[x] → [ndʒ] [æmdʒæn dʒ]	امجنجن	[æmdʒæxtæn]
۹۶	[ænbɔz]	انبار	[ænbɔz]	انباریدن	بر ساخته: انبارانیدن [ænbɔzɒnidæn]
۹۷	[ænbɔ]	انبار	[f] → [r] [ænbɔr]	انبارستن، انباردن	جای‌گزین: انباریدن [ænbærɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
				انباریدن	
۹۸	[ænbæs]	انبند [ænbænd]	[s] → [nd]	انبستن	[ænbæstæn]
۱۰۰	[ænbu]	انبا، انبای [ænbʊ], [ænbɔ]	[u] → [ɒ]	انبودن	[ænbudæn]
۱۰۰	[ænbʊs]	انبوس [ænbʊs]		انبوسیدن	[ænbʊsidæn]
۱۰۰	[ænbʊʃ]	انبوش [ænbʊʃ]		انبوشتن	[ænbʊʃtæn]
۹۹	[ænbuh]	انبوه [ænbuh]		انبوهیدن	[ænbuhidæn]
۹۹	[ænbu]	انبو، انبوی [ænbu], [ænbuj]	—	انبوئیدن، انبوئیدن	[ænbuidæn], [ænbujidæn]
۹۷	[ænpɔʃ]	انپار [ænpɔʃ]	[ʃ] → [r]	انپاشتن	[ænpɔʃtæn]
۱۰۱	[ændʒɒl]	انجالیدن [ændʒɒl]		انجالیدن	[ændʒɒlɪdæn]
۱۰۲	[ændʒɒm]	انجامیدن ن [ændʒɒm]		انجامیدن	[ændʒɒmɪdæn] برساخته: انجامانیدن، انجامانیدن [ændʒɒmɒndæn] [ændʒɒmɒnidæn]
۱۰۳	[ændʒæsk]	انجسک [ændʒæsk]		انجسکیدن	[ændʒæskɪdæn]
۱۰۴	[ændʒæn]	انجن [ændʒæn]		انجنیدن	[ændʒænɪdæn]
۱۰۵	[ændʒʊx]	انجوخ [ændʒʊx]	—	انجوختن، انجوختن	[ændʒʊxtæn], [ændʒʊxidæn]
۱۰۵	[ændʒʊɹ]	انجوغ [ændʒʊɹ]		انجوغیدن	[ændʒʊɹɪdæn]
۱۰۶	[ændʒ]	انج [ændʒ]		انجیدن	[ændʒɪdæn]
۱۰۶	[ændʒɪr]	انجیر [ændʒɪr]		انجیریدن	[ændʒɪrɪdæn]
۱۰۷	[ændɒx]	انداز [ændɒz]	[x] → [z]	انداختن، اندازیدن	[ændɒxtæn], [ændɒzɪdæn]
۱۰۸	[ændɒv]	انداو [ændɒv]		انداویدن	[ændɒvɪdæn]
۱۰۹	[ændæxs]	اندخس [ændæxs]		اندخسیدن	[ændæxsɪdæn]
۱۱۰	[ændʊx]	اندوز [ændʊz]	[x] → [z]	اندوختن،	[ændʊxtæn], [ændʊzɪdæn]
					جای‌گزین: اندختن [ændɒxtæn]

گروه	ریشه	بن حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای گزین / بر ساخته / تصحیفی
				اندوزیدن	
۱۰۸	[ændu]	اندا، اندای	[ændɒ], [ændɔj]	اندودن، اندادن، اندائیدن، انداییدن	[ændudæn], [ændɒdæn], [ændɔidæn], [ændɔjidæn]
۱۱۱	[ænduh]	اندوه	[ænduh]	اندوهیدن	[ænduhidæn]
۱۱۲	[ænd]	اند	[ænd]	اندیدن	[ændidæn]
۱۱۳	[ændiʃ]	اندیش	[ændiʃ]	اندیشیدن	بر ساخته: اندیشانیدن [ændiʃɒnidæn]
۹۴	[ænfæx]	انفج	[ænfændʒ]	انفختن	[ænfæxtæn]
۱۱۴	[engɒ]	انگار	[engɒr]	انگاشتن، انگاردن، انگاریدن	[engɒʃtæn], [engɒrdæn], [engɒridæn]
۲۹	[ængæn]	انگن	[ængæn]	انگندن، انگنیدن	[ængændæn], [ængænidæn]
۳۰	[ænguʃ]	انگوش	[ænguʃ]	انگوشیدن	[ænguʃidæn]
۱۱۵	[ængix]	انگیز	[ængiz]	انگیختن، انگیزیدن	جای گزین: انگختن [ængextæn] بر ساخته: انگیزاندن، انگیزانیدن [ængizɒndæn], [ængizɒnidæn]
۲۹	[æng]	انگ	[æng]	انگیدن	[ængidæn]
۱۱۶	[ævɒn]	اوان	[ævɒn]	اوانیدن	جای گزین: اوانیدن [ævænidæn]
۱۱۷	[ævbɒʃ], [ɔvbɒʃ]	اوبار	[ævbɒr], [ɔvbɒr]	اوباشتن، اوباردن، اوباریدن	جای گزین: اوباردن [ævbærdæn], [ɔvbærdæn] [ævbɒʃtæn], [ɔvbɒʃtæn], [ævbɒrdæn], [ɔvbɒrdæn], [ævbɒridæn], [ɔvbɒridæn]
۱۱۸	[udɒr]	اودر	[udɒr]	اودردن	[udɒrdæn]
۷۹	[ævrɒʃ], [ɔvrɒʃ]	اوراز	[ævrɒz], [ɔvrɒz]	اوراشتن	[ævrɒʃtæn], [ɔvrɒʃtæn]
۱۱۹	[ævrænd], [ɔvrænd]	اوزند	[ævrænd], [ɔvrænd]	اوزندیدن	[ævrændidæn], [ɔvrændidæn]
۸۲	[ævrux], [ɔvrux]	اوروز	[ævruz], [ɔvruz]	اوروختن	[ævruxtæn], [ɔvruxtæn]
۹۲	[ævzæn], [ɔvzæn]	اوزن	[ævzæn], [ɔvzæn]	اوزنیدن، اوزندیدن	تصحیفی: اوزندن، اوزنیدن [ævrændæn], [ɔvrændæn] [ævzænidæn], [ɔvzænidæn]
۸۵	[ævzʊl], [ɔvzʊl]	اوژول	[ævzʊl], [ɔvzʊl]	اوژولیدن	[ævzʊlidæn], [ɔvzʊlidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۸۸	[ævfɔ̃n], [owfɔ̃n]	اوشان	[ævfɔ̃n], [owfɔ̃n]	اوشاندن، اوشانیدن	[ævfɔ̃ndæn], [owfɔ̃ndæn], [ævfɔ̃nidæn], [owfɔ̃nidæn]
۷۶	[uft]	اوفت	[uft]	اوفتادن، اوفتیدن	بر ساخته: اوفتانیدن [uftɔ̃ndæn]
۹۲	[ufkæn]	اوفکن	[ufkæn]	اوفکندن	[ufkændæn]
۹۲	[ævkæn], [æowkæn]	اوکن	[ævkæn], [owkæn]	اوکندن، اوکنیدن	[ævkændæn], [owkændæn], [ævkænidæn], [owkænidæn]
۹۲	[ævgæn], [owgæn]	اوگن	[ævgæn], [owgæn]	اوگندن	[ævgændæn], [owgændæn]
۱۱۶	[ævnɔ̃n], [ownɔ̃n]	اونان	[ævnɔ̃n], [ownɔ̃n]	اونانیدن	[ævnɔ̃nidæn], [ownɔ̃nidæn]
۵۶	[ist]	ایست	[ist]	ایستادن، ایستیدن	بر ساخته: ایستاندن، ایستانیدن، ایستاداندن، ایستادانیدن [istɔ̃ndæn], [istɔ̃nidæn], [istɔ̃dɔ̃ndæn], [istɔ̃dɔ̃nidæn]
۱۰۶	[indʒ]	اینج	[indʒ]	اینجیدن	[indʒidæn]
۱۲۱	[bɔ̃bæɪn]	بابن	[bɔ̃bæɪn]	بابندن	[bɔ̃bændæn]
۱۲۲	[bɔ̃x]	باز	[bɔ̃z]	باختن، بازیدن	بر ساخته: بازاندن، بازانیدن [bɔ̃zɔ̃ndæn], [bɔ̃zɔ̃nidæn]
۱۲۳	[bɔ̃r]	بار	[bɔ̃r]	باریدن	بر ساخته: باراندن، بارانیدن [bɔ̃rɔ̃ndæn], [bɔ̃rɔ̃nidæn]
۱۲۴	[bɔ̃s]	باس	[bɔ̃s]	باسیدن	[bɔ̃sidæn]
۱۲۵	[bɔ̃f]	باف	[bɔ̃f]	بافتن، بافیدن	[bɔ̃ftæn], [bɔ̃fidæn]
۱۲۶	[bɔ̃k]	باک	[bɔ̃k]	باکیدن	[bɔ̃kidæn]
۱۲۷	[bɔ̃lɔ̃f]	بالاب	[bɔ̃lɔ̃b]	بالافتن	[bɔ̃lɔ̃ftæn]
۱۲۸	[bɔ̃los]	بالس	[bɔ̃los]	بالستن	[bɔ̃lostæn]
۱۲۸	[bɔ̃lɔ̃ʃ]	بالش	[bɔ̃lɔ̃ʃ]	بالشتن	[bɔ̃lɔ̃ʃtæn]
۱۲۷	[bɔ̃lu]	بالا، بالای	[bɔ̃lɔ̃], [bɔ̃lɔ̃j]	بالودن، بالاآیدن، بالاآیدن	بر ساخته: بالاآیندن [bɔ̃lɔ̃jɔ̃nidæn]
۱۲۷	[bɔ̃l]	بال	[bɔ̃l]	بالیدن	بر ساخته: بالانیدن [bɔ̃lɔ̃nidæn]
۱۲۹	[bɔ̃ŋg]	بانگ	[bɔ̃ŋg]	بانگیدن	[bɔ̃ŋgidæn]
۱۳۰	[bɔ̃væɪr]	باور	[bɔ̃væɪr]	باوریدن	بر ساخته: باورانیدن [bɔ̃væɪrɔ̃nidæn]
۱۳۱	[bɔ̃hæɪk]	باهک	[bɔ̃hæɪk]	باهکیدن	[bɔ̃hæɪkidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۲۰	[bʊ]	با، بای		بائیدن، باییدن، بایستن	[bʊidæn], [bʊjidæn], [bʊjestæn]
۱۳۲	[betkæən]	بتکن		بتکنیدن، بتکندیدن	[betkændæn], [betkændidæn]
۱۳۲	[betgæən]	بتگن		بتگنیدن، بتگندیدن	[betgændæn], [betgændidæn]
۱۳۳	[bedʒɔr]	بجار		بجاردن	[bedʒɔrdæn]
۱۳۴	[bædʒixiz]	بجخیز		بجخیزیدن	[bædʒixizidæn]
۱۳۵	[bedʒɔr]	بجر		بجردن	[bedʒɔrdæn]
۱۳۶	[bæhs]	بخت		بختیدن	[bæhsidæn]
۱۳۸	[bæxdʒ]	بخج		بخجیدن	[bæxdʒidæn]
۱۳۴	[bæxdʒiz]	بخجیز		بخجیزیدن	[bæxdʒizidæn] تصحیفی: بخجیریدن
۱۳۹	[bæxʃer]	بخچر		بخچریدن	[bæxʃeridæn]
۱۳۸	[bæxʃ]	بخج		بخجیدن	[bæxʃidæn]
۱۳۴	[bæxʃiz]	بخچیز		بخچیزیدن	[bæxʃizidæn] جای‌گزین: بخچیزیدن
۱۴۰	[boxr]	بخر		بخرندن، بخریدن	[boxredæn], [boxridæn]
۱۴۱	[bæxɔs]	بخس		بخستن	[bæxostæn] بر ساخته: بخستانیدن
۱۳۸	[bæxsu]	بخسأ، بخسأی	[u] → [v]	بخسودن	[bæxsudæn]
۱۴۲	[bæxs]	بخس		بخسیدن	[bæxsidæn] بر ساخته: بخسانیدن
۱۴۳	[bæxʃ]	بخش		بخشدن، بخشیدن	[bæxʃedæn], [bæxʃidæn] بر ساخته: بخشانیدن
۱۴۳	[bæxʃu]	بخشأ، بخشأی	[u] → [v]	بخشودن، بخشایدن، بخشانیدن	[bæxʃudæn], [bæxʃʊjedæn], [bæxʃʊidæn], [bæxʃʊjidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
				بخشاییدن	
۱۴۴	[bæxnu]	بخنو [bæxnæv]	[u] → [æv]	بخنودن، بخنویدن	[bæxnudæn], [bæxnævidæn]
۱۴۵	[boxur]	بخور [boxur]		بخوریدن	[boxuridæn]
۱۴۶	[bæx]	بخ [bæx]	—	بخیدن	[bæxidæn]
۱۴۷	[bæxiz]	بخیز [bæxiz]		بخیزیدن	[bæxizidæn]
۱۴۸	[bæroz]	بواز [bæroz]		بوازیدن	[bærozidæn]
۱۴۹	[bæroʃ]	براش [bæroʃ]	—	براشیدن	[bæroʃidæn]
۱۵۰	[bærx]	برخ [bærx]		برخیدن	[bærxidæn]
۱۵۱	[bor]	بر [bær]	—	بردن	[bordæn]
۱۵۲	[bærd]	برد [bærd]		بردیدن	[bærdidæn]
۱۵۳	[bærzʊʃ]	برزوش [bærzʊʃ]		برزوشیدن	[bærzʊʃidæn]
۱۵۴	[bærz]	برز [bærz]		برزیدن	[bærzidæn]
۱۵۵	[berɛʃ]	برش [berɛʃ]		برشتن	[berɛʃtæn]
۱۵۶	[bærmɔs]	برماس [bærmɔs]		برماسیدن	[bærmɔsidæn]
۱۵۷	[bærmæx]	برمخ [bærmæx]	—	برمخیدن	[bærmæxidæn]
۱۵۸	[bærmæʃ]	برمش [bærmæʃ]		برمشیدن	[bærmæʃidæn]
۱۵۹	[boron]	برن [boron]		برندن	[borondæn]
۱۶۰	[bærhʊ]	برها، برهای [bærhʊ]	[u] → [v]	برهودن	[bærhudæn]
۱۶۱	[bærid]	برید [bærid]		بریدن	[bæridæn]
۱۶۲	[bor]	بر [bor]		بریدن	[boronidæn], [borondæn], برساخته: براندن، برانیدن
۱۶۲	[borr]	بَر [borr]		بَریدن	[borronidæn], [borrondæn], برساخته: بَراندن، بَرانیدن
۱۶۳	[bozɔx]	بواز [bozɔz]	[x] → [z]	بوازختن، بوازیدن	[bozɔxtæn], [bozɔzidæn]
۱۶۴	[bæz]	بز [bæz]		بزیدن	[bæzidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۶۵	[bæsrɔr]	بَسار	[bæsrɔr]	بَساردن	[bæsrɔrdæn]
۱۶۶	[bæsrɔn]	بَسان	[bæsrɔn]	بَسانیدن	بر ساخته: بَسانانیدن [bæsrɔnrɔnidæn] تصحیفی: بَسانانیدن، بَسانانیدن [bæsrɔnrɔnidæn], [bæsrɔnrɔjidæn]
۱۶۷	[bæsrɔv]	بَساو	[bæsrɔv]	بَساویدن	[bæsrɔvidæn]
۹۸	[bæs]	بند	[s] → [nd]	بستن، بندیدن	[bæstæn], [bændidæn]
۱۶۸	[bæsxæn]	بَسخن	[bæsxæn]	بَسخندن	[bæsxændæn]
۱۶۹	[bæskæl]	بَسکل	[bæskæl]	بَسکلیدن	[bæskælidæn]
۹۸	[bæsk]	بَسک	[bæsk]	بَسکیدن	[bæskidæn]
۱۷۰	[bæsl]	بَسِل	[bæsl]	بَسلیدن	[bæslidæn]
۱۶۷	[bæsu]	بَسا، بَسای	[u] → [v]	بَسودن، بَسانیدن، بَساییدن	بر ساخته: بَسایانیدن [bæsrɔnrɔnidæn] تصحیفی: بَسودن [bisudæn]
۱۷۱	[bosur]	بَسور	[bosur]	بَسوریدن	[bosuridæn]
۱۷۱	[bosul]	بَسول	[bosul]	بَسولیدن	[bosulidæn]
۱۷۲	[bæsidʒ]	بَسیج	[bæsidʒ]	بَسیجیدن	[bæsidʒidæn]
۱۷۲	[bæsiʃ]	بَسیچ	[bæsiʃ]	بَسیچیدن	[bæsiʃidæn]
۱۷۳	[bæʃɔr]	بَشار	[bæʃɔr]	بَشاریدن	[bæʃɔridæn]
۱۷۴	[beʃpʊl]	بَشپول	[beʃpʊl]	بَشپولیدن	[beʃpʊlidæn]
۱۷۵	[bæʃx]	بَشخ	[bæʃx]	بَشخیدن	[bæʃxidæn]
۸۶	[beʃɔr]	بَشَر	[beʃɔr]	بَشردن	[beʃɔrdæn]
۱۷۶	[beʃkel]	بَشکل	[beʃkel]	بَشکلیدن	[beʃkelidæn]
۱۷۷	[bæʃkʊl]	بَشکول	[bæʃkʊl]	بَشکولیدن	[bæʃkʊlidæn]
۱۷۰	[bæʃl]	بَشِل	[bæʃl]	بَشلیدن	[bæʃlidæn]
۱۷۸	[bæʃændʒ]	بَشنج	[bæʃændʒ]	بَشنجیدن	[bæʃændʒidæn]
۱۷۹	[boʃu]	بَشا،	[u] → [v]	بَشودن	[boʃudæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
		بشای			
۱۸۰	[bæyd]	بغد	[bæyd]	بغدیدن	[bæydɪdæn]
۱۸۱	[bæktɔʃ]	بکتاش	[bæktɔʃ]	بکتاشیدن	[bæktɔʃɪdæn]
۱۸۲	[bæls]	بلاس	[bæls]	بلاسیدن	[bælsɪdæn]
۱۸۳	[bælʔ]	بلع	[bælʔ]	بلعیدن	[bælʔɪdæn]
۱۸۴	[bælmæ]	بلمل	[bælmæ]	بلملیدن	[bælmæɪdæn]
۱۸۵	[bolænd]	بلند	[bolænd]	بلندیدن	[bolændɪdæn]
۱۸۶	[bændʒ]	بنج	[bændʒ]	بنجیدن	[bændʒɪdæn]
۱۸۷	[bonkæʃ]	بنکش	[bonkæʃ]	بنکشیدن	[bonkæʃɪdæn]
۱۸۷	[bongæʃ]	بنگش	[bongæʃ]	بنگشستن، بنگشیدن	[bongæʃtæn], [bongæʃɪdæn]
۱۳۷	[bux]	بوز	[buz]	بوختن	[boxtæn]
۱۸۸	[bu]	بو، باش	[bov], [boʃ]	بودن، باشیدن	[budæn], [boʃɪdæn]
۱۸۹	[bus]	بوس	[bus]	بوسیدن	[busɪdæn]
۱۹۰	[buʃ]	بوش	[buʃ]	بوشیدن	[buʃɪdæn]
۹۹	[bu]	بو، بوی	[bu], [buj]	بوئیدن، بوئیدن	[buidæn], [bujɪdæn]
۱۹۱	[bæhɔʃ]	بهار	[bæhɔʃ]	بهاشتن	[bæhɔʃtæn]
۱۹۲	[bæh]	به	[bæh]	بهیدن	[bæhidæn]
۱۹۳	[bix]	بیخ	[biz]	بیختن، بیزیدن	[bixtæn], [bizɪdæn]
۱۹۴	[bæjk], [bejk]	بیک	[bæjk], [bejk]	بیکیدن	[bæjkɪdæn], [bejkɪdæn]
۱۹۵	[bivɔz]	بیواز	[bivɔz]	بیوازیدن	[bivɔzɪdæn]
۱۹۶	[bius]	بیوس	[bius]	بیوستن	[biustæn]
۱۹۷	[bæjus], [bejus]	بیوس	[bæjus], [bejus]	بیوسیدن	[bæjusɪdæn], [bejusɪdæn]
۱۹۷	[bæjuʃ], [bejuʃ]	بیوش	[bæjuʃ], [bejuʃ]	بیوشیدن	[bæjuʃɪdæn], [bejuʃɪdæn]
۱۹۷	[bæjul], [bejul]	بیول	[bæjul], [bejul]	بیولیدن	[bæjulɪdæn], [bejulɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۹۸	[bihudæ]	بیهوده [bihudæ]	—	بیهودن [bihudæn]	
۱۶۰	[bæjhu], [bejhu]	بیها، بیهای [bæjhu], [bejhu]	[u] → [v]	بیهودن [bæjhudæn], [bejhudæn]	
۲۰۰	[pɔʃ]	پاچ [pɔʃ]		پاچیدن [pɔʃidæn]	بر ساخته: پاچاندن [pɔʃɔndæn]
۲۰۱	[pɔr]	پار [pɔr]		پاریدن [pɔridæn]	
۱۲۴	[pɔs]	پاس [pɔs]		پاسیدن [pɔsidæn]	
۲۰۰	[pɔʃ]	پاش [pɔʃ]	—	پاشیدن [pɔʃidæn]	
۲۰۲	[pɔk]	پاک [pɔk]		پاکیدن [pɔkidæn]	
۱۲۷	[pɔlu]	پالا، پالای [pɔlu]	[u] → [v]	پالودن، پالادن، پالائیدن، پالاییدن [pɔludæn], [pɔlɔdæn], [pɔlɔidæn], [pɔlɔjidæn]	
۱۲۷	[pɔl]	پال [pɔl]		پالیدن [pɔlidæn]	جای‌گزین: پالیدن [pælidæn] بر ساخته: پالانیدن [pɔlɔnidæn]
۲۰۳	[pɔn]	پان [pɔn]		پانیدن [pɔnidæn]	
۱۳۱	[pɔhæk]	پاهک [pɔhæk]		پاهکیدن [pɔhækidæn]	
۱۹۹	[pɔ]	پا، پای [pɔ]		پائیدن، پاییدن، پایستن [pɔidæn], [pɔjidæn], [pɔjestæn]	
۲۰۴	[pæpriʃ]	پپریش [pæpriʃ]		پپریشیدن [pæpriʃidæn]	
۱۳۵	[pɛdʒɔr]	پجر [pɛdʒɔr]		پجردن [pɛdʒɔrdæn]	
۱۳۴	[pæʃxiz]	پچخیز [pæʃxiz]		پچخیزیدن [pæʃxizidæn]	
۱۳۸	[pæʃu]	پچا، پچای [pæʃu]	[u] → [v]	پچودن [pæʃudæn]	
۲۰۵	[pɔx]	پز، پز [pɔx]	—	پختن، پزیدن، پزیدن [pɔxtæn], [pæzidæn], [pæzidæn]	بر ساخته: پزاندن، پزانیدن [pæzɔnidæn], [pæzɔndæn]
۱۳۴	[pæxɔʒiz]	پخجیز [pæxɔʒiz]		پخجیزیدن [pæxɔʒizidæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۱۳۸	[pæxʃu]	پنچا، پنچای [pæxʃʊ], [pæxʃʊj]	[u] → [ʊ]	پنچودن [pæxʃʊdæn]	
۱۳۸	[pæxʃ]	پنچ [pæxʃ]		پنچیدن [pæxʃɪdæn]	
۱۳۴	[pæxʃɪz]	پنچیز [pæxʃɪz]		پنچیزیدن [pæxʃɪzɪdæn]	
۲۰۶	[pæxʃɔ]	پنخسا، پنخسای [pæxʃɔ], [pæxʃɔj]		پنخسانیدن، پنخساییدن [pæxʃɔɪdæn], [pæxʃɔjɪdæn]	
۱۴۲	[pæxʃ]	پنخس [pæxʃ]		پنخسیدن [pæxʃɪdæn]	برساخته: پنخسانیدن [pæxʃɔɪdæn] تصحیفی: پنخسانیدن، پنخساییدن [pæxʃɔɪdæn], [pæxʃɔjɪdæn]
۱۳۸	[pæxʃu]	پنخشا، پنخشای [pæxʃʊ], [pæxʃʊj]	[u] → [ʊ]	پنخشودن [pæxʃʊdæn]	
۱۳۸	[pæxʃ]	پنخش [pæxʃ]		پنخشیدن [pæxʃɪdæn]	
۲۰۷	[pædrɔm]	پدرام [pædrɔm]		پدرامیدن [pædrɔmɪdæn]	
۲۰۸	[pæzrɔf], [pædrɔf]	پدر [pæzr], [pædr]	—	پدرفتن [pæzrɔftæn], [pædrɔftæn]	
۲۰۸	[pæzɪrɔf], [pædrɪrɔf]	پدیر [pæzɪr], [pædrɪr]	—	پدیرفتن [pæzɪrɔftæn], [pædrɪrɔftæn]	برساخته: پدیرانیدن، پدیرفتانیدن [pædrɪrɔɪdæn], [pæzɪrɔɪdæn] تصحیفی: پدیرانیدن، پدیرفتانیدن [pæzɪrɔftɔɪdæn], [pædrɪrɔftɔɪdæn]
۲۰۴	[pærɔʃ]	پراثش [pærɔʃ]	—	پراثشیدن [pærɔʃɪdæn]	
۲۰۹	[pærɔkæn]	پراکن [pærɔkæn]		پراکندن، پراکنیدن، پراکندیدن [pærɔkændæn], [pærɔkænɪdæn], [pærɔkændɪdæn]	
۲۰۹	[pærogæn]	پراگن [pærogæn]		پراگندن، پراگنیدن، پراگندیدن [pærogændæn], [pærogænɪdæn], [pærogændɪdæn]	
۲۱۰	[pærtɔb]	پرتاب [pærtɔb]		پرتابیدن [pærtɔbɪdæn]	
۲۱۱	[pærtæm]	پرتم [pærtæm]		پرتمیدن [pærtæmɪdæn]	
۲۱۲	[pærtʃ]	پرتچ [pærtʃ]		پرتچیدن [pærtʃɪdæn]	
۲۱۳	[pærxæv]	پرخو [pærxæv]		پرخویدن [pærxævɪdæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۵۰	[pærx]	پرخ	[pærx]	پرخیدن	[pærxidæn]
۲۱۴	[pærdɔx]	پرداز	[x] → [z]	پردازختن	[pærdɔxtæn]
۲۱۵	[pæræst]	پرست	[pæræst]	پرستیدن	[pæræstidæn]
۲۱۶	[pɔrs]	پرس	[pɔrs]	پرسیدن	[pɔrsidæn]
۲۰۴	[pærʃ]	پرش	[pærʃ]	پرشدیدن	[pærʃidæn]
۱۵۶	[pærmɔs]	پرماس	[pærmɔs]	پرماسیدن	[pærmɔsidæn]
۱۵۷	[pærmæx]	پرمخ	—	پرمخیدن	[pærmæxidæn]
۲۱۷	[pærmu]	پرما، پرما‌ی	[u] → [v]	پرمودن	[pærmudæn]
۲۱۹	[pærvɔr]	پروار	[pærvɔr]	پرواریدن	[pærvɔridæn]
۱۵۶	[pærvɔs]	پرواس	[pærvɔs]	پرواسیدن	[pærvɔsidæn]
۲۱۸	[pærvɔ]	پروا، پروای	[pærvɔ], [pærvɔj]	پروا‌تیدن، پروا‌ییدن	[pærvɔidæn], [pærvɔjidæn]
۲۱۹	[pærvær]	پرور	[pærvær]	پروردن، پروریدن	[pærværdæn], [pærværidæn]
۲۲۰	[pærvix]	پرویز	[x] → [z]	پرویختن	[pærvixtæn]
۲۲۱	[pærhæx]	پرهنج	[x] → [ndʒ]	پرهنجتن	[pærhæxtæn]
۱۶۰	[pærhu]	پرھا، پرھا‌ی	[u] → [v]	پرھودن	[pærhudæn]
۲۲۱	[pærhix]	پرهیز	[x] → [z]	پرهیختن، پرهیزیدن	[pærhixtæn], [pærhizidæn]
۲۲۲	[pɔr]	پر	[pɔr]	پریدن	[pɔridæn]
۲۰۱	[pær]	پر	[pær]	پریدن	[pærɔnidæn], [pærvɔndæn]
۲۰۴	[pæriʃ]	پریش	[pæriʃ]	پریشیدن	[pæriʃɔnidæn]
۱۶۳	[pozɔx]	پوز	[x] → [z]	پوزاختن	[pozɔxtæn]
۲۲۳	[poz]	پز	[poz]	پزیدن	[pozidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۲۲۴	[pæʒor]	پژر	[pæʒor]	پژردن	[pæʒordæn]
۲۲۵	[pæʒmor]	پژمر	[pæʒmor]	پژمردن، پژمریدن	[pæʒmordæn], [pæʒmoridæn], برساخته: پژمراندن، پژمرانیدن
۲۲۶	[peʒul]	پژول	[peʒul]	پژولیدن	[peʒulɔnidæn] برساخته: پژولانیدن
۲۲۷	[pæʒuh]	پژوه	[pæʒuh]	پژوهیدن	[tærumidæn], [tæruhɪdæn] تصحیفی: ترومیدن، ترومیدن
۱۶۶	[pæsn]	پسان	[pæsn]	پسانیدن	[pæsnɪdæn]
۱۶۷	[pæsnv]	پساو	[pæsnv]	پساویدن	[pæsnvɪdæn]
۲۲۸	[pæsænd]	پسند	[pæsænd]	پسندیدن	[pæsændɪdæn]
۱۶۷	[pæsu]	پسا، پسای	[pæsp], [pæspj]	پسودن	[pæsudæn]
۱۷۲	[pæsidʒ]	پسیج	[pæsidʒ]	پسیجیدن	[pæsidʒɪdæn]
۱۷۲	[pæsiʃ]	پسیچ	[pæsiʃ]	پسیچیدن	[pæsiʃɪdæn]
۱۷۶	[peʃkel]	پشکل	[peʃkel]	پشکلیدن	[peʃkelɪdæn]
۱۷۰	[pæʃl]	پشل	[pæʃl]	پشلیدن	[pæʃlɪdæn]
۲۲۹	[pæʃm]	پشم	[pæʃm]	پشمیدن	[pæʃmɪdæn]
۱۷۸	[pæʃændʒ]	پشنج	[pæʃændʒ]	پشنجیدن	[pæʃændʒɪdæn] تصحیفی: پشخیدن
۱۷۱	[pɒʃur]	پشور	[pɒʃur]	پشوریدن	[pɒʃurɪdæn]
۱۷۱	[pɒʃul]	پشول	[pɒʃul]	پشولیدن	[pɒʃulɪdæn]
۲۳۰	[pɒf]	پف	[pɒf]	پفیدن	[pɒfɪdæn]
۲۳۱	[pɒk]	پک	[pɒk]	پکیدن	[pɒkɪdæn]
۱۸۲	[pælbs]	پلاس	[pælbs]	پلاسیدن	[pælbsɪdæn], برساخته: پلاساندن، پلاسانیدن
۲۳۲	[pɒloʊʃ]	پلغ، پلق	[pɒloʊʃ]	پلغیدن، پلقیدن	[pɒloʊʃɪdæn]
۲۳۳	[pelek]	پلک	[pelek]	پلکیدن	[pelekɪdæn]
۱۵۶	[pælmɒs]	پلماس	[pælmɒs]	پلماسیدن	[pælmɒsɪdæn]
۱۸۴	[pælmæl]	پلمل	[pælmæl]	پلملیدن	[pælmælɪdæn]
۲۳۴	[pænoʃ]	پناف	[pænoʃ]	پنافتن	[pænoʃtæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۲۳۵	[pænom]	پنام	[pænom]	پنامیدن	[pænomidæn]
۲۳۶	[pænoh]	پناه	[pænoh]	پناهیدن	[pænohidæn]
۱۸۶	[pændʒ]	پنج	[pændʒ]	پنجیدن	[pændʒidæn]
۲۳۷	[pendɔʃ]	پندار	[pendɔr]	پنداشتن، پنداریدن	[pendɔʃtæn], [pendɔbridæn]
۲۳۸	[pænd]	پند	[pænd]	پندیدن	[pændidæn]
۲۳۹	[penk]	پنک	[penk]	پنکیدن	[penkidæn]
۲۴۱	[pux]	پوز	[puz]	پوختن، پوزیدن	[puxtæn], [puzidæn]
۲۴۲	[pus]	پوس	[pus]	پوسدن، پوسیدن	[pusɔnidæn], [pusɔndæn]
۲۴۳	[puʃ]	پوش	[puʃ]	پوشیدن	[puʃɔnidæn], [puʃɔndæn]
۲۴۰	[pu]	پو، پوی	[pu], [puj]	پوئیدن، پوئیدن	[pujɔnidæn]
۲۴۴	[pæhn]	پهن	[pæhn]	پهنیدن	[pæhnidæn]
۲۴۵	[piʃ]	پیچ	[piʃ]	پیچیدن	[piʃɔnidæn], [piʃɔndæn]
۲۴۵	[pix]	پیخ	[pix]	پیختن، پیخیدن	[pixtæn], [pixidæn]
۲۴۷	[pirox]	پیراز	[piroz]	پیراختن	[piroxtæn]
۲۰۹	[pirogæn]	پیراگن	[pirogæn]	پیراگندن	[pirogændæn]
۲۴۶	[piroh]	پیراه	[piroh]	پیراهیدن	[pirohidæn]
۲۴۶	[piro]	پیرا، پیرای	[piro], [piroj]	پیرائیدن، پیرائیدن، پیراستن، پیرایستن	[piroidæn], [pirojidæn], [pirostæn], [pirojestæn]
۲۴۸	[pik]	پیک	[pik]	پیکیدن	[pikidæn]
۲۴۹	[pæjmu], [pejmu]	پیمای، پیمای	[pæjmo], [pejmo], [pæjmɔj], [pejmɔj]	پیمودن، پیمائیدن، پیماییدن	[pæjmudæn], [pejmudæn], [pæjmɔidæn], [pejmɔidæn], [pæjmɔjidæn], [pejmɔjidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۹۵	[pivɔz]	پیواز		پیوازیدن	[pivɔzidæn]
۱۹۷	[pæjus], [pejus]	پیوس		پیوسیدن	[pæjusidæn], [pejusidæn]
۱۹۷	[pæju:], [peju:]	پیوش		پیوشیدن	[pæju:fidæn], [peju:fidæn]
۲۵۰	[pæjvæs], [pejvæs]	پیون، پیوند	[s] → [n], [nd]	پیونیدن، پیوندیدن، پیوستن	[pæjvændɔnidæn] بر ساخته: پیوند/نیدن
۱۶۰	[pæjhu], [pejhu]	پیها، پیهایی	[u] → [ɒ]	پیهودن	[pæjhudæn], [pejhudæn]
۲۵۲	[tɔx]	تاز	[x] → [z]	تاختن، تازیدن	[tɔzɔnidæn], [tɔzɔndæn] بر ساخته: تاز/اندن، تاز/انیدن
۲۵۳	[tɔrɔdʒ]	تاراج		تاراجیدن	[tɔrɔdʒidæn]
۲۵۴	[tɔrɔn]	تاران		تارانیدن، تارانیدن	[tɔrɔndæn], [tɔrɔnidæn]
۲۵۵	[tɔs]	تاس		تاسیدن	[tɔsɔnidæn], [tɔsɔndæn] بر ساخته: تاس/انیدن، تاس/انیدن
۲۵۱	[tɔf]	تاب	[f] → [b]	تاقتن، تابیدن	[tɔftæn], [tɔbidæn] بر ساخته: تاب/اندن، تاب/انیدن
۲۵۶	[tɔl]	تال		تالیدن	[tɔlidæn]
۲۵۷	[tɔn]	تان		تانیدن، تانستن	[tɔnidæn], [tɔnestæn]
۲۵۱	[tɔv]	تاو		تاویدن، تاوستن	[tɔvidæn], [tɔvestæn] بر ساخته: تاو/انیدن
۲۵۱	[tɔ]	تا، تایی		تائیدن، تایییدن، تاپیدن	[tɔidæn], [tɔjidæn], [tɔjdæn]
۲۵۸	[tæbɔs]	تباس		تباسیدن	[tæbɔsidæn]
۲۵۹	[tæbɔh]	تباه		تباهیدن	[tæbɔhɔnidæn] بر ساخته: تباها/نیدن
۲۶۰	[tæbærk]	تبرک		تبرکیدن	[tæbærkidæn]
۲۵۸	[tæbs]	تیس		تیسیدن	[tæbsɔnidæn] بر ساخته: تیس/انیدن
۲۶۱	[tæb]	تب، طب		تیبیدن، طبیدن	[tæbɔjɔnidæn] بر ساخته: تیب/انیدن
۲۶۱	[tæp]	تپ، تپ		تپیدن، تپیدن	[tæpɔndæn] بر ساخته: تپ/اندن، تپ/اندن
۲۶۲	[tæxʃ]	تخش		تخشیدن	[tæxʃidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۲۶۳	[tex]	تخ [tex]		تخیدن [texidæn]	
۲۶۴	[tæ]	تن [tæn]	[n]	تدن، تنیدن [tædæn], [tænidæn]	بر ساخته: تنانیدن [tænnidæn]
۲۶۵	[tærbɒb]	تراب [tærbɒb]		ترابیدن [tærbidæn]	تصحیفی: ترابیدن [tærbjɪdæn]
۲۵۲	[tærx]	تراز [tærx]	[x] → [z]	تراختن [tærxɪtæn]	
۲۶۶	[tæroz]	تراز، طراز [tæroz]		ترازیدن، طرازیدن [tærozidæn]	تصحیفی: طرانیدن [tærvnidæn]
۲۶۷	[tærɒʃ]	تراش [tærɒʃ]	—	تراشیدن [tærɒʃidæn]	
۲۶۸	[tærokɒh]	تراکاه [tærokɒh]		تراکاستن [tærokɒstæn]	
۲۶۹	[tærok]	تراک [tærok]		تراکیدن [tærokidæn]	
۲۷۰	[tæron]	تران [tæron]		ترانیدن [tæronidæn]	
۲۶۵	[tærov]	تراو [tærov]		تراویدن [tærovɪdæn]	بر ساخته: تراوانیدن [tærovɒnidæn]
۲۶۶	[tærz]	ترز، طرز [tærz]		ترزیدن، طرزیدن [tærzidæn]	
۲۷۱	[tærs]	ترس [tærs]		ترسیدن [tærsɪdæn]	بر ساخته: ترساندن، ترسانیدن [tærsɒndæn], [tærsnidæn]
۲۷۲	[torʃ]	ترش [torʃ]		ترشیدن [torʃidæn]	بر ساخته: ترشانیدن، ترشانیدن [torʃɒndæn], [torʃnidæn]
۲۶۹	[tæɾæʏ]	ترق، طرق [tæɾæʏ]		ترقیدن، طرقیدن [tæɾæʏdæn]	بر ساخته: ترقانیدن، ترقانیدن [tæɾæʏnidæn]
۲۶۹	[tæɾæk]	ترک، طرق [tæɾæk]		ترکیدن، طرقیدن [tæɾækidæn]	بر ساخته: ترکاندن، ترکانیدن [tæɾækɒndæn], [tæɾækɒnidæn]
۲۷۳	[tærmæz]	ترمز [tærmæz]		ترمزدن [tærmæzdæn]	
۲۷۴	[tærm]	ترم [tærm]		ترمیدن [tærmɪdæn]	
۲۷۵	[torændʒ]	ترنج، طنج [torændʒ]		ترنجیدن، طنجیدن [torændʒɪdæn]	بر ساخته: ترنجانیدن [torændʒɒnidæn]
۲۷۶	[toræŋg]	ترنگ [toræŋg]		ترنگیدن [toræŋgɪdæn]	بر ساخته: ترنگانیدن [toræŋgɒnidæn]
۲۷۷	[tor]	تر [tor]		تریدن [torɪdæn]	بر ساخته: تراندن [torɒndæn]
۲۷۸	[tæsb]	تسب [tæsb]		تسبیدن [tæsbɪdæn]	بر ساخته: تسبانیدن [tæsbɒnidæn]
۲۷۹	[tes]	تس [tes]		تسیدن [tesɪdæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۲۸۰	[tæsævvor]	تصوّر	[tæsævvor]	تصوّریدن	
۲۵۱	[tæf]	تف	[tæf]	تفتن، تفتیدن، تفتیدن	[tæftæn], [tæfidaen], [tæftidaen]
۲۵۸	[tæfs]	تفس	[tæfs]	تفسیدن	بر ساخته: تفساندن، تفسانیدن [tæfsɔnidæn], [tæfsɔndaen]
۲۸۱	[tæk]	تک	[tæk]	تکیدن	بر ساخته: تکاندن، تکانیدن [tækɔnidæn], [tækɔndaen]
۲۸۱	[tæg]	تگ	[tæg]	تگیدن	بر ساخته: تگانیدن، تگانیدن [tægɔnidæn], [tægɔndaen]
۲۶۵	[tælob]	تلاب	[tælob]	تلابیدن	بر ساخته: تلابانیدن [tælobɔnidæn]
۲۸۲	[tæln]	تلاش	[tæln]	تلاشیدن	
۲۸۳	[telegroʃ]	تلگراف	[telegroʃ]	تلگرافیدن	
۲۸۴	[tæl]	تل	[tæl]	تلیدن	
۲۸۵	[tomb]	تمب	[tomb]	تمبیدن	
۲۸۶	[tæmærg]	تمرگ	[tæmærg]	تمرگیدن	بر ساخته: تمرگانیدن، تمرگانیدن [tæmærgɔnidæn], [tæmærgɔndaen]
۲۸۷	[tæm]	تم	[tæm]	تمیدن	
۲۸۸	[tæns]	تناس	[tæns]	تناسیدن	
۲۸۹	[tænl]	تنال	[tænl]	تنالیدن	
۲۹۰	[tænbæs]	تنبس	[tænbæs]	تنبسیدن	
۲۹۱	[tænb]	تنب	[tænb]	تنبیدن	
۲۹۲	[tonb]	تنب	[tonb]	تنبیدن	
۲۷۵	[tændʒ]	تنج	[tændʒ]	تنجیدن	
۲۹۳	[tænd]	تند	[tænd]	تندیدن	
۲۹۴	[tond]	تند	[tond]	تندیدن	
۲۹۵	[tæns]	تنس	[tæns]	تنسیدن	
۲۵۷	[tævɔn]	توان	[tævɔn]	توانیدن، توانستن	تصحیفی: توانیدن [tævɔlidaen]
۲۹۶	[tup]	توپ	[tup]	توپیدن	
۲۹۷	[tux]	توز	[tux]	توختن، توزیدن	جای‌گزین: توزیدن [tozidaen]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۲۹۸	[tur]	تور	[tur]	توریدن	[turidæn]
۲۹۹	[tuf]	توف	[tuf]	توفیدن	[tufidæn]
۳۰۰	[tævl], [towl]	تول	[tævl], [towl]	تولیدن	[tævlidæn], [towlidæn]
۲۹۸	[tul]	تول	[tul]	تولیدن	[tulidæn]
۲۵۱	[tæv]	تو	[tæv]	تویدن	[tævidæn]
۳۰۱	[tæh]	ته	[tæh]	تهیدن	[tæhidæn]
۳۰۲	[tiz]	تیز	[tiz]	تیزیدن	[tizidæn]
۳۰۴	[dʒɔb]	جاب	[dʒɔb]	جابیدن	[dʒɔbidæn]
۳۰۵	[dʒɔneb]	جانب	[dʒɔneb]	جانبیدن	[dʒɔnebidæn]
۳۰۳	[dʒɔv]	جاو	[dʒɔv]	جاویدن	[dʒɔvidæn]
۳۰۳	[dʒɔ]	جا، جای	[dʒɔ], [dʒɔj]	جائیدن، جابیدن	[dʒɔidæn], [dʒɔjidæn]
۳۰۶	[dʒæxʃ]	جخش	[dʒæxʃ]	جخشیدن	[dʒæxʃidæn]
۳۰۷	[dʒæx]	جخ	[dʒæx]	جخیدن	[dʒæxidæn]
۳۰۸	[dʒærb]	جرب	[dʒærb]	جربیدن	[dʒærbidæn]
۲۷۶	[dʒæræŋg]	جرتگ	[dʒæræŋg]	جرتگیدن	[dʒæræŋgidæn]
۳۰۹	[dʒær]	جر	[dʒær]	جریدن	[dʒæridæn]
۳۱۰	[dʒer]	جر	[dʒer]	جریدن	[dʒeridæn], [dʒerɔndæn]
۳۱۱	[dʒez]	جز	[dʒez]	جزیدن	[dʒezidæn]
۳۱۲	[dʒæh]	جه	[dʒæh]	جستن، جهیدن	[dʒæstæn], [dʒæhidæn], [dʒæhɔnidæn], [dʒæstɔnidæn]
۳۱۳	[dʒu]	جو، جوی	[dʒu], [dʒuj]	جستن، جوئیدن، جوئیدن	[dʒostæn], [dʒuidæn], [dʒujidæn]
۳۰۷	[dʒæʏ]	جغ	[dʒæʏ]	جغیدن	[dʒæʏidæn]
۳۱۴	[dʒæf]	جف	[dʒæf]	جفتن، جفتیدن	[dʒæftæn], [dʒæftidæn]
۳۱۵	[dʒɔnb]	جنب	[dʒɔnb]	جنبیدن	[dʒɔnbidæn], [dʒɔnbɔndæn]
۳۱۶	[dʒæŋg]	جنگ	[dʒæŋg]	جنگیدن	[dʒæŋgidæn], [dʒæŋgɔndæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۳۱۷	[dʒævz], [dʒowz]	جوز	[dʒævz], [dʒowz]	جوزیدن	[dʒævzidæn], [dʒowzidæn]
۳۱۸	[dʒu]	جوش	[dʒu]	جوشیدن	[dʒuʃnidæn], [dʒuʃndæn]
۱۷۴	[dʒul]	جول	[dʒul]	جولیدن	[dʒulidæn]
۳۰۳	[dʒæv]	جو	[dʒæv]	جویدن	[dʒævidæn]
۳۱۲	[dʒih]	جیه	[dʒih]	جیستن	[dʒistæn]
۳۲۰	[ʃɒp]	چاپ	[ʃɒp]	چاپیدن	[ʃɒpidæn]
۳۲۱	[ʃɒk]	چاک	[ʃɒk]	چاکیدن	[ʃɒkidæn]
۳۲۲	[ʃɒm]	چام	[ʃɒm]	چامیدن	[ʃɒmidæn]
۳۲۳	[ʃɒv]	چاو	[ʃɒv]	چاویدن	[ʃɒvidæn]
۳۰۳	[ʃɒv]	چاو	[ʃɒv]	چاویدن	[ʃɒvidæn]
۳۱۹	[ʃɒh]	چاه	[ʃɒh]	چاهیدن	[ʃɒhidæn]
۳۱۹	[ʃɒ]	چا، چای	[ʃɒ], [ʃɒj]	چائیدن، چاییدن	[ʃɒnidæn], [ʃɒjidæn]
۳۲۴	[ʃæbs]	چیس	[ʃæbs]	چیسیدن	[ʃæbsidæn]
۳۲۴	[ʃæps]	چیس	[ʃæps]	چیسیدن	[ʃæpsidæn]
۳۲۵	[ʃæp]	چپ	[ʃæp]	چپیدن	[ʃæpnidæn], [ʃæpndæn]
۳۰۷	[ʃæx]	چخ	[ʃæx]	چخیدن	[ʃæxidæn]
۳۲۶	[ʃe]	چن	[ʃen]	چدن، چنیدن	[ʃedæn], [ʃenidæn]
۳۲۷	[ʃæɒ]	چرا، چرای	[ʃæɒ], [ʃæɒj]	چرائیدن، چراییدن	[ʃæɒnidæn], [ʃæɒjidæn]
۳۰۸	[ʃæɒb]	چرب	[ʃæɒb]	چربیدن	[ʃæɒbnidæn], [ʃæɒbndæn]
۳۲۸	[ʃɔ:t]	چرت	[ʃɔ:t]	چرتیدن	[ʃɔ:tidæn]
۳۲۹	[ʃæɪx]	چرخ	[ʃæɪx]	چرخیدن	[ʃæɪxnidæn], [ʃæɪxndæn]
۳۳۰	[ʃerest]	چرست	[ʃerest]	چرستیدن	[ʃerestidæn]
۲۷۶	[ʃereng]	چرنگ	[ʃereng]	چرنگیدن	[ʃerengidæn]
۳۳۱	[ʃɒrɒk]	چروک	[ʃɒrɒk]	چروکیدن	[ʃɒrɒkidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۳۲۲	[ʃærv]	چرو	[ʃærv]	چرویدن	[ʃærvɪdæn]
۳۳۳	[ʃor]	چر	[ʃor]	چریدن	[ʃorɪdæn]
۳۲۷	[ʃær]	چر	[ʃær]	چریدن	[ʃæronɪdæn], [ʃæronɔndæn] بر ساخته: چراندن، چرانیدن
۳۱۱	[ʃez]	چز	[ʃez]	چزیدن	[ʃezɪdæn], [ʃezɔndæn] بر ساخته: چزاندن، چزانیدن
۳۲۴	[ʃæsb]	چسب	[ʃæsb]	چسبیدن	[ʃæsbɪdæn], [ʃæsbɔndæn] بر ساخته: چسباندن، چسبانیدن
۳۲۴	[ʃæsp]	چسپ	[ʃæsp]	چسپیدن	[ʃæspɪdæn], [ʃæspɔndæn] بر ساخته: چسپاندن، چسپانیدن
۳۳۴	[ʃu]	چو، چوی	[ʃu], [ʃuj]	چستن	[ʃostæn]
۳۳۵	[ʃos]	چس	[ʃos]	چسیدن	[ʃosɪdæn]
۳۳۶	[ʃæʃ]	چش	[ʃæʃ]	چشیدن	[ʃæʃɪdæn], [ʃæʃɔndæn] بر ساخته: چشاندن، چشانیدن
۳۳۷	[ʃæyz]	چغز	[ʃæyz]	چغزیدن	[ʃæyzɪdæn] بر ساخته: چغزانیدن [ʃæyzɪdæn] تصحیفی: چغزیدن
۳۰۷	[ʃæy]	چغ	[ʃæy]	چغیدن، چغیدن	[ʃæyɪdæn]
۳۳۸	[ʃæf]	چف	[ʃæf]	چفتن	[ʃæftæn]
۳۳۹	[ʃæft]	چفت	[ʃæft]	چفتیدن	[ʃæftɪdæn]
۳۲۴	[ʃæfs]	چفس	[ʃæfs]	چفسیدن	[ʃæfsɪdæn], [ʃæfsɔndæn] بر ساخته: چفساندن، چفسانیدن
۳۴۰	[ʃækæs]	چکس	[ʃækæs]	چکسیدن	[ʃækæsidæn]
۳۴۶	[ʃok]	چک	[ʃok]	چکیدن	[ʃokɪdæn]
۳۲۱	[ʃæk]	چک	[ʃæk]	چکیدن	[ʃækɪdæn], [ʃækɔndæn] بر ساخته: چکاندن، چکانیدن
۳۲۱	[ʃæg]	چگ	[ʃæg]	چگیدن	[ʃægɪdæn]
۳۴۱	[ʃelesk]	چلسک	[ʃelesk]	چلسکیدن	[ʃeleskɪdæn], [ʃeleskɔndæn] بر ساخته: چلسکاندن، چلسکانیدن
۳۴۲	[ʃæl]	چل	[ʃæl]	چلیدن	[ʃælɪdæn], [ʃælɔndæn] بر ساخته: چلاندن، چلانیدن
۳۴۳	[ʃæm]	چم	[ʃæm]	چمیدن	[ʃæmɪdæn], [ʃæmɔndæn] بر ساخته: چماندن، چمانیدن
۳۱۵	[ʃɔnb]	چنب	[ʃɔnb]	چنبیدن	[ʃɔnbɪdæn]
۳۴۴	[ʃɔng]	چنگ	[ʃɔng]	چنگیدن	[ʃɔngɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر‌دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۳۰۷	[ʃux]	چوخ [ʃux]	—	چوخیدن [ʃuxidæn]	
۳۴۵	[ʃur]	چور [ʃur]		چوریدن [ʃuridæn]	
۳۲۴	[ʃævs], [ʃows]	چوس [ʃævs], [ʃows]		چوسیدن [ʃævsidæn], [ʃowsidæn]	
۳۴۶	[ʃu]	چوش [ʃu]		چوشیدن، چوشدن [ʃuʃidæn], [ʃuʃedæn]	
۳۲۱	[ʃæh]	چه [ʃæh]		چهیدن [ʃæhidæn]	
۳۲۶	[ʃi]	چین [ʃin]	[n]	چیدن [ʃidæn]	برساخته: چیناندن [ʃinɔndæn] تصحیفی: چیانیدن [ʃinɔnidæn]
۳۴۷	[xɔr]	خار [xɔr]		خاریدن [xɔridæn]	برساخته: خاراندن، خارانیدن [xɔrɔndæn], [xɔrɔnidæn]
۳۴۸	[xɔs]	خیز [xiz]	—	خاستن، خیزیدن [xɔstæn], [xizidæn]	برساخته: خیزاندن، خیزانیدن [xizɔndæn], [xizɔnidæn]
۳۴۹	[xɔss]	خاص [xɔss]		خاصیدن [xɔssidæn]	
۳۵۰	[xɔmuʃ]	خاموش [xɔmuʃ]		خاموشیدن [xɔmuʃidæn]	جای‌گزین: خموشیدن [xæmuʃidæn]
۳۰۳	[xɔ]	خا، خای [xɔ], [xɔj]		خائیدن، خاییدن [xɔidæn], [xɔjidæn]	
۳۰۳	[xæbɔ]	خبا، خبای [xæbɔ], [xæbɔj]		خبائیدن، خباییدن [xæbɔidæn], [xæbɔjidæn]	
۳۰۳	[xæb]	خب [xæb]		خبیدن [xæbidæn]	
۳۵۱	[xæb]	خب [xæb]		خبیدن [xæbidæn]	
۳۵۲	[xæp]	خپ [xæp]		خپیدن [xæpidæn]	
۳۵۳	[xædʒɔ]	خجال [xædʒɔ]		خجالیدن [xædʒɔidæn]	
۳۵۳	[xædʒul]	خجول [xædʒul]		خجولیدن [xædʒulidæn]	
۳۵۴	[xædʒ]	خج [xædʒ]		خجیدن [xædʒidæn]	
۳۵۵	[xæɔp]	خراش [xæɔp]	—	خراشیدن [xæɔʃidæn]	برساخته: خراشاندن، خراشانیدن [xæɔʃɔndæn], [xæɔʃɔnidæn]
۳۵۶	[xæɔɔm]	خرام [xæɔɔm]		خرامیدن [xæɔɔmidæn]	برساخته: خراماندن، خرامانیدن [xæɔɔmɔndæn], [xæɔɔmɔnidæn]
۳۵۷	[xæɔdʒ]	خرج [xæɔdʒ]		خرجیدن [xæɔdʒidæn]	
۳۵۷	[xæɔʃ]	خرچ [xæɔʃ]		خرچیدن [xæɔʃidæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۳۵۸	[xors]	خرس	[xors]	خرسیدن	[xorsidæn]
۵۰	[xoroʃ]	خرش	[xoroʃ]	خرشیدن	[xoroʃidæn]
۳۵۹	[xæref]	خرف	[xæref]	خرفتن	[xæref-tæn]
۵۰	[xoruʃ]	خروش	[xoruʃ]	خروشیدن	[xoruʃidæn], [xoruʃɔndæn]
۳۶۰	[xær]	خر	[xær]	خریدن	[xærɔnidæn]
۳۶۱	[xorɾ]	خَر	[xorɾ]	خَریدن	[xorɾidæn]
۳۵۵	[xæriʃ]	خریش	[xæriʃ]	خریشیدن	[xæriʃidæn]
۳۶۲	[xæz]	خز	[xæz]	خزیدن	[xæzɔnidæn]
۳۰۳	[xæsp]	خسا، خسای	[xæsp], [xæspj]	خسائیدن، خساییدن	[xæspidæn], [xæspjɪdæn]
۳۶۳	[xosb]	خسب	[xosb]	خسبیدن	[xosbɔnidæn], [xosbɔndæn]
۳۶۳	[xosp]	خسپ	[xosp]	خسپیدن	[xospɔnidæn]
۳۶۴	[xæsp]	خسپ	[xæsp]	خسپیدن	[xæspɔnidæn]
۳۶۵	[xæs]	خن	[xæn]	خستن، خستیدن	[xæstæn], [xæstidæn]
۳۶۶	[xosu]	خسا، خسای	[xosp], [xospj]	خسودن	[xosudæn]
۳۶۶	[xosur]	خسور	[xosur]	خسوردن	[xosurdæn]
۳۰۳	[xæs]	خس	[xæs]	خسیدن	[xæsɔnidæn], [xæsɔndæn]
۳۶۷	[xoʃbr]	خشار	[xoʃbr]	خشاردن، خشاریدن	[xoʃbrdæn], [xoʃbrɪdæn]
۳۰۳	[xæʃb]	خشا، خشای	[xæʃb], [xæʃbj]	خشائیدن، خشاییدن	[xæʃbɪdæn], [xæʃbjɪdæn]
۳۶۸	[xoʃk]	خشک	[xoʃk]	خشکیدن	[xoʃkɪdæn]
۳۶۷	[xoʃu]	خشا	[u] → [ɒ]	خشودن	[xoʃudæn]
۳۶۹	[xæfɔn]	خفان	[xæfɔn]	خفانیدن	[xæfɔnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۳۶۳	[xof]	خواب [xvɒb], [xɒb]	—	خفتن، خوابیدن، خفتیدن	بر ساخته: خواباندن، خوابانیدن، خفتانیدن [xvɒbɒndæn], [xɒbɒndæn], [xvɒbɒnidæn], [xɒbɒnidæn], [xoftɒnidæn] تصحیفی: خوابنیدن، خبنیدن [xvɒbænidæn], [xɒbænidæn], [xvæbænidæn], [xæbænidæn]
۳۶۳	[xofs]	خفس [xofs]		خفسیدن	[xofsidæn]
۳۷۰	[xæfæn]	خفن [xæfæn]		خفندن	[xæfændæn]
۳۷۱	[xof]	خف [xof]		خفیدن	تصحیفی: خفیدن [hofidæn]
۳۵۱	[xæf]	خف [xæf]		خفیدن	[xæfidæn]
۳۷۲	[xelm]	خلم [xelm]		خلمیدن	[xelmidæn]
۳۷۳	[xæl]	خل [xæl]		خلیدن	بر ساخته: خلاندن، خلانیدن [xælbɒndæn], [xælbɒnidæn]
۳۷۲	[xem]	خم [xem]		خمیدن	[xemidæn]
۳۵۲	[xæm]	خم [xæm]		خمیدن	بر ساخته: خماندن، خمانیدن [xæmɒndæn], [xæmɒnidæn]
۳۷۴	[xonbɒn]	خنبان [xonbɒn]		خنبانیدن	[xonbɒnidæn]
۳۷۵	[xænb]	خنب [xænb]		خنبیدن	[xænbidæn]
۳۷۶	[xændʒ]	خنج [xændʒ]		خنجیدن	[xændʒidæn]
۳۷۷	[xænd]	خند [xænd]		خندیدن	بر ساخته: خنداندن، خندانیدن [xændɒndæn], [xændɒnidæn]
۳۷۸	[xen]	خن [xen]		خنیدن	[xenidæn]
۳۷۵	[xæn]	خن [xæn]		خنیدن	[xænidæn]
۳۷۹	[xvɒdʒ], [xɒdʒ]	خواج [xvɒdʒ], [xɒdʒ]		خواجیدن	[xvɒdʒidæn], [xɒdʒidæn]
۳۸۰	[xvɒr], [xɒr]	خوار [xvɒr], [xɒr]		خواردن	بر ساخته: خواراندن، خوارانیدن [xvɒrɒndæn], [xɒrɒndæn], [xvɒrɒnidæn], [xɒrɒnidæn]
۳۸۱	[xvɒh], [xɒh]	خواه [xvɒh], [xɒh]		خواستن، خواهستن، خواهیدن	بر ساخته: خواهانیدن [xvɒhɒnidæn], [xɒhɒnidæn]
۳۸۲	[xævɒl]	خوال [xævɒl]		خوالیدن	[xævɒlidæn]
۳۸۳	[xvɒl], [xɒl]	خوال [xvɒl], [xɒl]		خوالیدن	[xvɒlidæn], [xɒlidæn]
۳۸۴	[xvɒn], [xɒn]	خون [xvɒn], [xɒn]		خواندن، خوانیدن	بر ساخته: خواناندن، خوانانیدن [xvɒnɒndæn], [xɒnɒndæn], [xvɒnɒnidæn], [xɒnɒnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
					[xvɒnɒnidæn], [xɒnɒnidæn]
۳۸۵	[xuʃɒr]	خوچار	[xuʃɒr]	خوچاریدن	[xuʃɒridæn]
۳۸۶	[xuʃ]	خوچ	[xuʃ]	خوچیدن	[xuʃidæn]
۳۸۰	[xor]	خور	[xor]	خوردن	[xorɒnidæn], [xorɒndæn], بر ساخته: خوراندن، خورانیدن
۳۸۷	[xvæɹʃ], [xæɹʃ]	خورش	[xvæɹʃ], [xæɹʃ]	خورشیدن	[xvæɹʃidæn], [xæɹʃidæn]
۳۸۸	[xuz]	خوز	[xuz]	خوزیدن	[xuzidæn]
۳۸۱	[xvæh], [xæh]	خوه	[xvæh], [xæh]	خوستن	بر ساخته: خوهانیدن [xvæhɒnidæn], [xæhɒnidæn] تصحیفی: خوسانیدن [xvæsɒnidæn], [xæsɒnidæn], [xosɒnidæn]
۳۶۸	[xus]	خوس	[xus]	خوسیدن	[xusidæn]
۳۶۳	[xvæs], [xæs]	خوس	[xvæs], [xæs]	خوسیدن	[xvæsɪdæn], [xæsɪdæn]
۳۶۸	[xuʃ]	خوش	[xuʃ]	خوشیدن	بر ساخته: خوشاندن، خوشانیدن [xuʃɒnidæn], [xuʃɒndæn]
۳۶۳	[xuʃ]	خواب	[xvɒb], [xɒb]	خوفتن	[xuʃtæn]
۳۷۱	[xuʃ]	خوف	[xuʃ]	خوفیدن	[xuʃidæn]
۳۸۴	[xon]	خون	[xon]	خوندن	[xɒndæn]
۳۰۳	[xæv]	خو	[xæv]	خویدن	[xævidæn]
۳۸۹	[xɔj]	خوی	[xɔj]	خویدن	[xɔjidæn]
۳۰۳	[xiɒ]	خیا، خیای	[xiɒ], [xiɒj]	خیاتیدن، خیاییدن	[xiɒidæn], [xiɒjidæn]
۳۹۰	[xi]	خین	[xin]	خیدن	[xidæn]
۳۶۲	[xiz]	خیز	[xiz]	خیزیدن	[xizidæn]
۳۹۱	[xis]	خیس	[xis]	خیسیدن	بر ساخته: خیساندن، خیسانیدن [xisɒnidæn], [xisɒndæn]
۳۹۲	[xin]	خین	[xin]	خینیدن	[xinidæn]
۳۹۳	[dɒx]	داز	[x] → [z], [dɒz]	داختن	[dɒxtæn]
۳۹۴	[dɒx]	داخ	[dɒx]	داخیدن	[dɒxidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۳۹۵	[d]	ده، ده ^۱ [d], [dæh]	—	دادن [dɔdæn]	بر ساخته: دهانیدن [dæhɔnidæn]
۳۹۶	[dɔf]	د/ر [dɔr]	[f] → [r]	داشتن [dɔʃtæn]	
۳۹۷	[dɔm]	دام [dɔm]		دامیدن [dɔmidæn]	
۳۹۳	[dɔn]	دان [dɔn]		دانستن، دانیدن [dɔnestæn], [dɔnidæn]	بر ساخته: دانانیدن [dɔnɔnidæn]
۳۹۸	[dæɔrɔ]	درا، درای [dæɔrɔ], [dæɔrɔ]		درائیدن، دراییدن [dæɔridæn], [dæɔrijidæn]	
۳۹۹	[deræxʃ]	درخشش [deræxʃ]		درخشیدن [deræxʃidæn]	بر ساخته: درخشاندن، درخشانییدن [deræxʃɔndæn], [deræxʃɔnidæn]
۳۹۹	[deræfʃ]	درفش [deræfʃ]		درفشیدن [deræfʃidæn]	بر ساخته: درفشانییدن [deræfʃɔnidæn]
۴۰۰	[dæɔrm]	درم [dæɔrm]		درمیدن [dæɔrmidæn]	
۴۰۱	[deræŋg]	درنگ [deræŋg]		درنگیدن [deræŋgidæn]	
۲۷۶	[dæɔræŋg]	درنگ [dæɔræŋg]		درنگیدن [dæɔræŋgidæn]	بر ساخته: درنگانیدن [dæɔræŋgɔnidæn]
۴۰۲	[dɔru]	درو [dæɔræv]	—	درویدن، درویدن [dɔrudæn], [dæɔrævidæn]	
۴۰۲	[dɔr]	در [dɔr]		دریدن [dɔridæn]	
۴۰۳	[dæɔrr]	دَر [dæɔrr]		دَریدن [dæɔrridæn]	بر ساخته: دَراندن، دَرانیدن [dæɔrrɔndæn], [dæɔrrɔnidæn]
۴۰۳	[dæɔr]	در [dæɔr]		دریدن [dæɔridæn]	بر ساخته: دراندن، درانیدن [dæɔrɔndæn], [dæɔrɔnidæn]
۴۰۴	[dozd]	دزد [dozd]		دزدیدن [dozdidæn]	بر ساخته: دزدانیدن [dozdɔnidæn]
۴۰۵	[dæɔmer]	دمر [dæɔmer]		دمردن [dæɔmerdæn]	
۴۰۶	[dæɔm]	دم [dæɔm]		دمیدن [dæɔmidæn]	بر ساخته: دماندن، دامانیدن [dæɔmɔndæn], [dæɔmɔnidæn]
۴۰۷	[dæɔndɔn]	دندان [dæɔndɔn]		دندانیدن [dæɔndɔnidæn]	
۴۰۸	[dæɔn]	دن [dæɔn]		دنییدن، دندییدن [dæɔnidæn], [dæɔnididæn]	
۴۱۰	[dux]	دوز [dux]	[x] → [z]	دوختن [duxtæn]	جای‌گزین: دختن [doxtæn]
۴۰۹	[dux]	دوز [dux]	[x] → [z]	دوختن، دوزیدن [duxtæn], [duzidæn]	جای‌گزین: دختن [doxtæn] بر ساخته: دوزانیدن [duzɔnidæn]

^۱ این بنِ حال نه تنها در بسیاری از گویش‌های پارسی، بلکه در ساختارِ مصدرِ «دادن» و در ادبیات به چشم می‌خورد:

آن چه با زنج یافتی‌ش و به دُگُل تو به آسانی از گزافه مدی‌ش /mædi-ʃ/ (رودکی)

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۴۱۱	[dus]	دوس	[dus]	دوسیدن	[dusɔnidæn], [dusɔndæn] برساخته: دوساندن، دوسانیدن
۴۱۰	[duʃ]	دوش	[duʃ]	دوشیدن	[duʃɔnidæn] برساخته: دوشانیدن
۴۱۲	[dæv]	دو	[dæv]	دویدن	[dævɔnidæn], [dævɔndæn] برساخته: دواندن، دوانیدن
۴۱۱	[dævis]	دویس	[dævis]	دویسیدن	[dævisidæn]
۴۱۳	[di]	بین	[bin]	دیدن	[didæn]
۴۱۴	[rɔjɔn]	رایان	[rɔjɔn]	رایاندن	[rɔjɔndæn]
۴۱۵	[robu]	ربا، رای	[robn], [robnj]	ربودن، رایانیدن، رایبیدن	[robɔnidæn], [robɔndæn], [robɔnidæn]
۴۱۵	[rob]	رب	[rob]	ربیدن	[robidæn]
۴۱۶	[rædʒ]	رج	[rædʒ]	رجیدن	[rædʒidæn]
۳۹۹	[ræxʃ]	رخش	[ræxʃ]	رخشیدن	[ræxʃɔnidæn], [ræxʃɔndæn] برساخته: رخشانیدن، رخشانیدن
۴۱۷	[ræx]	رخ	[ræx]	رخیدن	[ræxidæn]
۴۱۸	[ræzm]	رزم	[ræzm]	رزمیدن	[ræzmidæn]
۴۱۶	[ræz]	رز	[ræz]	رزیدن	[ræzidæn]
۴۱۹	[ræh]	ره	[ræh]	رستن، رهیدن، رهادن	[ræhɔnidæn], [ræhɔndæn] برساخته: رهانیدن، رهانیدن
۴۲۰	[ru]	رو، روی	[ru], [ruj]	رستن، روئیدن، روئیدن	[rujɔndæn], [rujɔnidæn], [rostɔnidæn] برساخته: رویاندن، رویانیدن، رستانیدن
۴۲۱	[ræs]	رس	[ræs]	رسیدن	[ræsɔnidæn], [ræsɔndæn] برساخته: رساندن، رسانیدن
۴۱۶	[roʃ]	رش	[roʃ]	رشتن	[roʃtæn]
۴۲۲	[ræf]	رو	[ræv]	رفتن، رویدن	[ræftæn], [rævidæn] برساخته: رواندن، روانیدن، راندن
۴۲۳	[ræys]	رقص	[ræys]	رقصیدن	[ræysɔnidæn], [ræysɔndæn] برساخته: رقصاندن، رقصانیدن
۴۲۴	[romb]	رمب	[romb]	رمبیدن	[rombɔnidæn], [rombɔndæn] برساخته: رمباندن، رمبانیدن
۴۲۵	[ræm]	رم	[ræm]	رمیدن	[ræmɔnidæn], [ræmɔndæn] برساخته: رماندن، رمانیدن
۴۲۶	[rændʒ]	رنج	[rændʒ]	رنجیدن	[rændʒɔnidæn], [rændʒɔndæn] برساخته: رنجانیدن، رنجانیدن

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۲۷	[rænd]	زند	[rænd]	زندیدن	[rændnidæn], [rændɔndæn]
۴۲۸	[ræng]	زنگ	[ræng]	زنگیدن	[rængidæn]
۴۲۹	[ru]	رو، روی	[ru], [ruj]	رودن	[rudæn]
۴۳۰	[ruzæn]	روزن	[ruzæn]	روزندن	[ruzændæn]
۴۳۱	[ruz]	روز	[ruz]	روزیدن	[ruzidæn]
۴۳۱	[ruʒ]	روژ	[ruʒ]	روژیدن	[ruʒidæn]
۴۳۲	[ruʃ]	روشن	[ruʃ]	روشنیدن	[ruʃidæn]
۴۳۳	[ruf]	روب	[rub]	روفتن، روبیدن	[roftæn] جای‌گزین: رفتن [roftæn] بر ساخته: روبانیدن، روبانیدن، روفتانیدن [rubɔndæn], [rubɔnidæn], [ruftæn], [rubidæn] [ruftɔnidæn] تصحیفی: روفانیدن [rufɔnidæn]
۴۳۴	[rix]	ریز	[riz]	ریختن، ریزیدن	[rextæn] جای‌گزین: رختن [rextæn] بر ساخته: ریزانیدن، ریزانیدن [rizɔndæn], [rizɔnidæn] تصحیفی: ریزیدن [riridæn]
۴۳۵	[ri]	ری ^۹ ، رین	[ri], [rin]	ریدن، ریستن	[ridæn], [ristæn]
۴۳۶	[ris]	ریس	[ris]	ریستن، ریسیدن	[restæn], [residæn] جای‌گزین: رستن، رسیدن [restæn], [residæn] بر ساخته: ريسانیدن [risɔnidæn]
۴۳۶	[riʃ]	ریش	[riʃ]	ریشتن	[reʃtæn] جای‌گزین: رشتن [reʃtæn]
۴۳۴	[riʃ]	ریش	[riʃ]	ریشیدن	[reʃidæn] جای‌گزین: رشیدن [reʃidæn]
۴۱۹	[riv]	ریو	[riv]	ریویدن	[rividæn]
۴۳۴	[rih]	ریه	[rih]	ریهیدن	[rihɔnidæn] بر ساخته: ریه‌انیدن [rihɔnidæn]
۴۳۷	[zɔb]	زاب	[zɔb]	زابیدن	[zɔbidæn]

^۹ این بن حال کم‌کم فرسوده شده و تنها در ادبیات به چشم می‌خورد:

اگر زان که خواهد یکی ز اهل دل که یک لحظه بی زای رحمت زید

مگس را پدید آورد روزگار که تا بر سر رای رحمت زید / riæd // (انوری ابیوردی)

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۳۸	[zɔr]	زار	[zɔr]	زاریدن	[zɔridæn]
۴۳۹	[zɔ]	زا، زای	[zɔ], [zɔj]	زاستن، زادن، زائیدن، زایییدن	[zɔstæn], [zɔdæn], [zɔidæn], [zɔjidæn] جای‌گزین: زایدن [zɔjedæn] بر ساخته: زایاندن، زایانیدن [zɔjɔndæn], [zɔjɔnidæn]
۴۴۰	[zæx]	زخ	—	زخیدن	[zæxidæn]
۴۴۱	[zæ]	زن	[n]	زدن	[zædæn]
۵۳	[zodu]	زدا، زدای	[u] → [ɔ]	زدودن، زدائیدن، زدایییدن	[zodudæn], [zodɔidæn], [zodɔjidæn] بر ساخته: زدا/یانییدن [zodɔjɔnidæn]
۴۴۲	[zæra:fson]	زرفسان	[zæra:fson]	زرفسانیدن	[zæra:fsonidæn]
۴۴۳	[zɔʃ]	زش	[zɔʃ]	زشتن	[zɔʃtæn]
۴۴۴	[zæyɔr]	زغار	[zæyɔr]	زغاریدن	[zæyɔridæn]
۴۴۴	[zæyæng]	زغنگ	[zæyæng]	زغنگیدن	[zæyængɔnidæn] بر ساخته: زغنگانیدن [zæyængɔnidæn]
۴۴۵	[zæyza:y]	زقزق	[zæyza:y]	زقزقیدن	[zæyza:yidæn]
۴۴۶	[zey]	زق	[zey]	زقیدن	[zeyidæn]
۴۴۷	[zæk]	زک	[zæk]	زکیدن	[rækidæn], [rægidæn] تصحیفی: رکیدن، رگیدن
۴۴۸	[zælf]	زلف	[zælf]	زلفیدن	[zælfidæn]
۴۴۹	[zæmzæm]	زمزم	[zæmzæm]	زمزمیدن	[zæmfɔfidæn], [zæfærfidæn] تصحیفی: زرفرفیدن، زرفرفیدن
۴۵۰	[zæmu]	زما	[u] → [ɔ]	زمودن	[zæmudæn]
۴۵۱	[zæm]	زم	[zæm]	زمیدن	[zæmidæn]
۴۵۲	[zæng]	زنگ	[zæng]	زنگیدن	[zængidæn]
۴۵۳	[zænu]	زنو، زنوی	[u] → [æv]	زنودن، زنویدن، زنوئیدن، زنوئیدن	[zænudæn], [zæna:vidæn], [zænu:vidæn], [zænu:vidæn] تصحیفی: زنوئیدن، زنایانیدن [zænu:vidæn], [zænu:vidæn]
۴۵۴	[zenhɔr]	زنهار	[zenhɔr]	زنهاریدن	[zenhɔridæn]
۴۵۵	[zovɔr]	زوار	[zovɔr]	زواریدن	[zovɔridæn]
۴۵۶	[zævæ:r]	زور	[zævæ:r]	زوریدن	[zævæ:ridæn]
۴۵۷	[zur]	زور	[zur]	زوریدن	[zurɔnidæn] بر ساخته: زورانیدن [zurɔnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۵۸	[zuʃ]	زوش	[zuʃ]	زوشیدن	بر ساخته: زوشانیدن [zuʃɔnidæn]
۴۵۸	[zuh]	زوه	[zuh]	زوهیدن	
۴۵۶	[zæv]	زو	[zæv]	زویدن	
۴۵۸	[zæh]	زه	[zæh]	زهیدن	بر ساخته: زهانیدن [zæhɔnidæn]
۴۳۹	[zeh]	زه	[zeh]	زهیدن	
۴۵۹	[zib]	زیب	[zib]	زیبیدن	
۴۶۰	[zi]	زی	[zi]	زیستن	جای‌گزین: زستن [zestæn] بر ساخته: زیانیدن، زیانیدن [ziɔnidæn], [zibɔnidæn] تصحیفی: زانیدن [zæɔnidæn]
۴۶۱	[ziu]	زیا	[ziɔ] → [ɔ]	زیودن	
۴۳۹	[zih]	زیه	[zih]	زیهیدن	
۴۶۲	[ʒɔɜ]	ژاژ	[ʒɔɜ]	ژاژیدن	
۳۰۳	[ʒɔv]	ژاو	[ʒɔv]	ژاویدن	
۴۶۳	[ʒæfk]	ژفک	[ʒæfk]	ژفکیدن	
۴۶۴	[ʒæf]	ژف	[ʒæf]	ژفیدن	
۴۶۵	[ʒækbɔr]	ژکار	[ʒækbɔr]	ژکاریدن	
۴۴۷	[ʒæk]	ژک	[ʒæk]	ژکیدن	
۱۷۴	[ʒul]	ژول	[ʒul]	ژولیدن	بر ساخته: ژولانیدن، ژولانیدن [ʒulɔnidæn], [ʒulɔndæn]
۴۵۸	[ʒuh]	ژوه	[ʒuh]	ژوهیدن	
۴۶۶	[sɔb]	ساب	[sɔb]	سابیدن	
۴۶۷	[sɔx]	ساز	[sɔx] → [z]	ساختن، سازیدن	
۴۶۶	[sɔvæz]	ساوز	[sɔvæz]	ساوزیدن	
۴۶۶	[sɔv]	ساو	[sɔv]	ساویدن	
۴۶۸	[sæbɔr]	سپار	[sæbɔr]	سپاریدن	
۵۵	[sepɔr]	سپار	[sepɔr]	سپاردن، سپاریدن	[sepɔrdæn], [sepɔridæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۶۹	[sepɒs]	سیاس	[sepɒs]	سیاسیدن	[sepɒsɪdæn]
۵۵	[sepor]	سپیر	[sepor]	سپردن	[sepordæn]
۵۵	[sepær]	سپیر	[sepær]	سپردن، سپردن	[sepærdæn], [sepæridæn]
۵۴	[sepux]	سپوز	[x] → [z]	سپوختن، سپوزیدن	[sepuxtæn], [sepuzidæn]
۴۷۰	[sepil]	سپیل	[sepil]	سپیلیدن	[sepilidæn]
۵۶	[setɒ]	ستا	[setɒ]	ستادن	[setɒdæn]
۵۷	[setæ]	ستان	—	ستدن، ستاندن، ستائیدن	[setædæn], [setɒndæn], [setɒnidæn]
۵۸	[sotor]	ستر	[sotor]	ستردن	[sotordæn]
۴۷۱	[setæm]	ستم	[setæm]	ستمیدن	[setæmidæn]
۵۹	[sotu]	ستا، ستای	[u] → [ɒ]	ستودن، ستائیدن، ستاییدن	[sotudæn], [sotɒidæn], [sotɒjidæn]
۵۸	[sotur]	ستور	[sotur]	ستوردن	[soturdæn]
۴۷۲	[sotuh]	ستوه	[sotuh]	ستوهیدن	[sotuhidæn]
۶۰	[setiz]	ستیز	[setiz]	ستیزیدن	[setezidæn]
۶۰	[setih]	ستیه	[setih]	ستیهیدن	[setehidæn]
۴۷۳	[sædʒ]	سج	[sædʒ]	سجیدن	[sædʒɒnidæn] بر ساخته: سجانیدن [sædʒɒjidæn] تصحیفی: سجاییدن
۴۷۴	[sæx]	سج	[x] → [ndʒ]	سختن، سجیدن، سختیدن	[sæxtæn], [sændʒidæn], [sæxtidæn]
۴۷۵	[sorf]	سرف	[sorf]	سرفیدن	[sorfɒnidæn]
۴۷۶	[særæŋg]	سرنگ	[særæŋg]	سرنگیدن	[særæŋgidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۷۷	[seræŋg]	سرنگ	[seræŋg]	سرنگیدن	[seræŋgidaen]
۴۷۸	[sereng]	سرنگ	[sereng]	سرنگیدن	[serengidaen]
۴۷۹	[soru]	سرا، سرای	[u] → [ɒ]	سرودن، سرائیدن، سرائیدن	[sorudaen], [sorɒidaen], [sorɔjidaen]
۴۸۰	[sor]	سر	[sor]	سریدن	[sorɒnidaen] بر ساخته: سرائیدن
۴۸۱	[sæz]	سز	[sæz]	سزیدن	[sæzidaen]
۴۸۲	[sof]	سنب	—	سفتن، سنبیدن، سفتیدن	[softæn], [sonbidaen], [softidaen] بر ساخته: سنباندن، سنبانیدن [sonbɒndaen], [sonbɒnidaen]
۶۳	[sekɒl]	سکال	[sekɒl]	سکالیدن	[sekɒlidaen]
۴۸۳	[sækærf]	سکرف	[sækærf]	سکرفیدن	[sækærfidaen]
۴۸۵	[sekos]	سکس	[sekos]	سکستن	[sekostæn]
۴۸۵	[sekol]	سکل	[sekol]	سکلیدن	[sekolidæn]
۴۸۴	[sekændʒ]	سکنج	[sekændʒ]	سکنجیدن	[sekændʒidaen]
۶۲	[sekiz]	سکیز	[sekiz]	سکیزیدن	[sekizɒndaen] بر ساخته: سکیزاندن
۶۳	[segɒl]	سگال	[segɒl]	سگالیدن	[segɒlidaen]
۴۸۵	[segos]	سگس	[segos]	سگستن	[segostæn]
۴۸۵	[segol]	سگل	[segol]	سگلیدن	[segolidæn]
۴۸۶	[sægl]	سگل	[sægl]	سگلیدن	[sæglidaen]
۴۷۵	[solf]	سلف	[solf]	سلفیدن	[solfɒnidaen] بر ساخته: سلفانیدن
۴۸۷	[sæm]	سم	[sæm]	سمیدن	[sæmidaen]
۴۸۸	[sux]	سوز	[x] → [z]	سوختن، سوزیدن	[suxtæn], [suzidaen] بر ساخته: سوزاندن، سوزانیدن [suzɒndaen], [suzɒnidaen]
۴۶۶	[su]	سا، سایی	—	سودن، سائیدن،	[sudaen], [sɒidaen], [sɔjidaen] تصحیفی: تنودن ^{۱۰} [tænudaen]

^{۱۰} فرهنگ‌ها این گواه آمده است:

تورا چگونه بساود هگرز پاکى و علم که جان و دلّت جز از جهل و فعلی بد تننود /nætænud/ (ناصر خسرو)

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
				ساییدن	
۴۸۹	[sug]	سوگ [sug]		سوگیدن [sugidæn]	
۴۹۰	[sæh]	سه [sæh]		سهستن [sæhestæn]	
۴۹۰	[sæhm]	سهم [sæhm]		سهمیدن [sæhmidæn]	
۴۹۱	[siɒb]	سیاب [siɒb]		سیابیدن [siɒbidæn]	
۱۷۲	[sidʒ]	سیج [sidʒ]		سیجیدن [sidʒidæn]	
۱۷۲	[siʃ]	سیچ [siʃ]		سیچیدن ^{۱۱} [siʃidæn]	
۴۹۲	[sis]	سیس [sis]		سیستن [sistæn]	
۴۹۴	[ʃɒd]	شاد [ʃɒd]		شادیدن [ʃɒdidæn]	
۴۹۵	[ʃɒr]	شار [ʃɒr]		شاریدن [ʃɒridæn]	جای‌گزین: شریدن [ʃæridæn]
۴۹۶	[ʃɒ]	شاش [ʃɒ]	—	شاشیدن، شاشدن [ʃɒʃidæn], [ʃɒʃedæn]	برساخته: شاشاندن، شاشانیدن [ʃɒʃɒnidæn], [ʃɒʃɒndæn]
۴۹۷	[ʃɒf]	شاب [ʃɒb]	[f] → [b]	شافتن [ʃɒftæn]	
۴۹۸	[ʃɒf]	شاف [ʃɒf]	—	شافیدن [ʃɒfidæn]	
۴۹۹	[ʃɒn]	شان [ʃɒn]		شاندن، شانیدن [ʃɒndæn], [ʃɒnidæn]	
۵۰۰	[ʃɒh]	شاه [ʃɒh]		شاهیدن [ʃɒhidæn]	تصحیفی: شاهندن [ʃɒhændæn]
۴۹۳	[ʃɒ]	شاه، شای [ʃɒ], [ʃɒj]		شاهیدن، شاییدن، شایستن [ʃɒidæn], [ʃɒjidæn], [ʃɒjestæn]	برساخته: شایانیدن، شایستانیدن [ʃɒjestɒnidæn], [ʃɒjɒnidæn]
۵۰۱	[ʃæbl]	شیل [ʃæbl]		شیلیدن [ʃæblidæn]	برساخته: شیلانیدن [ʃæblɒnidæn]
۵۰۲	[ʃæb]	شب [ʃæb]		شبیدن [ʃæbidæn]	
۵۰۱	[ʃæpl]	شپیل [ʃæpl]		شپیلیدن [ʃæplidæn]	برساخته: شپیلانیدن [ʃæplɒnidæn]
۴۷۰	[ʃepl]	شپیل [ʃepl]		شپیلیدن [ʃeplidæn]	

به داوریِ علی‌اکبرِ دهخدا، شکلِ درست‌تر «بنسود» /benæsud/ است.

^{۱۱} پارسی میانه: /se:ʃitæn/. از دیدگاه والتر برونو هنینگ Walter Bruno Henning، این مصدر در پارسی میانه به نادرستی و از این رو پدید آمده که خوشه‌ی آوائی /pæ/ در مصدر /pæse:ʃitæn/ را پیش‌وند پنداشته‌اند.

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۴۷۰	[ʃepn]	شپن	[ʃepn]	شپنیدن	[ʃepnidæn]
۵۴	[ʃepux]	شپوز	[x] → [z]	شپوختن	[ʃepuxtæn]
۵۴	[ʃepix]	شپیز	[x] → [z]	شپختن	[ʃepixtæn]
۴۷۰	[ʃepil]	شپیل	[ʃepil]	شپیلیدن	[ʃepilidæn]
۵۰۳	[ʃæpil]	شپیل	[ʃæpil]	شپیلیدن	[ʃæpilidæn]
۶۴	[ʃetɒf]	شتاب	[f] → [b]	شتافتن، شتابیدن	[ʃetɒftæn], [ʃetɒbidæn]
۶۴	[ʃetɒv]	شتاو	[ʃetɒv]	شتاویدن	[ʃetɒvidæn]
۵۰۴	[ʃædʒɒ]	شجا، شجای	[ʃædʒɒ], [ʃædʒɒ]	شجانیدن، شجاییدن	[ʃædʒɒnidæn], [ʃædʒɒjidæn]
۵۰۴	[ʃædʒ]	شج	[ʃædʒ]	شجیدن	[ʃædʒɒnidæn]
۵۰۳	[ʃæxɒr]	شخار	[ʃæxɒr]	شخاریدن	[ʃæxɒridæn]
۵۰۳	[ʃæxɒl]	شخال	[ʃæxɒl]	شخالیدن	[ʃæxɒlidæn]
۵۰۵	[ʃæxʃ]	شخش	[ʃæxʃ]	شخشیدن	[ʃæxʃidæn]
۴۷۰	[ʃexl]	شخل	[ʃexl]	شخلیدن	[ʃexlidæn]
۵۰۳	[ʃæxu]	شخا، شخای	[u] → [ɒ]	شخودن، شخائیدن، شخاییدن	[ʃæxɒnidæn]
۵۰۳	[ʃæxul]	شخول	[ʃæxul]	شخولیدن	[ʃæxulidæn]
۴۷۰	[ʃexul]	شخول	[ʃexul]	شخولیدن	[ʃexulidæn]
۵۰۳	[ʃæxun]	شخون	[ʃæxun]	شخونیدن	[ʃæxunidæn]
۳۰۷	[ʃæx]	شخ	—	شخیدن	[ʃæxidæn]
۴۷۰	[ʃexil]	شخیل	[ʃexil]	شخیلیدن	[ʃexilidæn]
۵۰۶	[ʃɒdʒɒr]	شدیار	[ʃɒdʒɒr]	شدیاریدن	[ʃɒdʒɒridæn]
۵۳۰	[ʃæzjɒr], [ʃæðjɒr]	شذیار	[ʃæzjɒr], [ʃæðjɒr]	شذیاریدن	[ʃæzjɒridæn], [ʃæðjɒridæn]
۵۰۷	[ʃærm]	شرم	[ʃærm]	شرمیدن	[ʃærmɒnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۴۹۵	[ʃor]	شَر	[ʃor]	شَریدن	بر ساخته: شَرانیدن [ʃorɒnidæn]
۴۹۵	[ʃorr]	شَرَر	[ʃorr]	شَرَریدن	بر ساخته: شَرَرانیدن [ʃorrɒnidæn]
۵۰۸	[ʃæs]	شَین	—	شَستن	بر ساخته: شَاندن، شَانیدن [ʃɒnidæn], [ʃɒndæn]
۵۰۹	[ʃu]	شَوی، شَوی	[ʃu], [ʃuj]	شَستن، شَوئیدن، شَوییدن	بر ساخته: شَویانیدن [ʃujɒnidæn]
۵۱۰	[ʃoyu]	شَغَا، شَغَای	[ʃoyɒ], [ʃoyɒj]	شَغودن	تصحیفی: شَغودن [ʃofudæn]
۵۱۰	[ʃæy]	شَغ	[ʃæy]	شَغیدن	[ʃæyidæn]
۵۱۱	[ʃofor]	شَفر	[ʃofor]	شَفردن	[ʃofordæn]
۴۷۰	[ʃefl]	شَفل	[ʃefl]	شَفلیدن	[ʃeflidæn]
۴۷۰	[ʃefil]	شَفیل	[ʃefil]	شَفیلبیدن	[ʃefilidæn]
۶۶	[ʃekɒr]	شَکار	[ʃekɒr]	شَکاریدن	[ʃekɒridæn]
۶۵	[ʃekɒf]	شَکاف	—	شَکافتن، شَکافیدن	بر ساخته: شَکافاندن، شَکافانیدن [ʃekɒfɒndæn], [ʃekɒfɒnidæn]
۶۳	[ʃekɒl]	شَکال	[ʃekɒl]	شَکالیدن	[ʃekɒlidæn]
۶۵	[ʃekɒv]	شَکاو	[ʃekɒv]	شَکاویدن	[ʃekɒvidæn]
۵۱۲	[ʃokor]	شَکر	[ʃokor]	شَکردن	[ʃokordæn]
۶۶	[ʃekær]	شَکر	[ʃekær]	شَکردن، شَکریدن، شَکردیدن	تصحیفی: شَگریدن [ʃegæridæn] [ʃekærdæn], [ʃekæridæn], [ʃekærdidæn]
۶۷	[ʃekæs]	شَکن	[s] → [n]	شَکستن، شَکنیدن	بر ساخته: شَکاندن [ʃekɒndæn] [ʃekæstæn], [ʃekænidæn]
۶۵	[ʃekæf]	شَکف	[ʃekæf]	شَکفتن	بر ساخته: شَکفتانیدن [ʃekæftɒnidæn]
۷۱	[ʃekof]	شَکف	[ʃekof]	شَکفتن، شَکفیدن	بر ساخته: شَکفاندن، شَکفانیدن [ʃekofɒndæn], [ʃekofɒnidæn]
۷۰	[ʃekeft]	شَکفت	[ʃekeft]	شَکفتیدن	[ʃekeftidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۷۶	[ʃekl]	شکل [ʃekl]		شکلیدن [ʃeklɪdæn]	
۵۱۳	[ʃekændʒ]	شکنج [ʃekændʒ]		شکنجیدن [ʃekændʒɪdæn]	
۵۱۴	[ʃekondʒ]	شکنج [ʃekondʒ]		شکنجیدن [ʃekondʒɪdæn]	
۲۳	[ʃækux]	شکوخ [ʃækux]	—	شکوخیدن [ʃækuxɪdæn]	بر ساخته: شکوخانیدن [ʃækuxɒnɪdæn] تصحیفی: شکرفیدن [ʃækærfɪdæn], [ʃækærɪdæn]
۷۱	[ʃekuf]	شکوف [ʃekuf]	—	شکوفتن، شکوفیدن [ʃekuftæn], [ʃekufɪdæn]	بر ساخته: شکوفانیدن [ʃekufɒnɪdæn]
۵۱۵	[ʃokul]	شکول [ʃokul]		شکولیدن [ʃokulɪdæn]	
۶۹	[ʃokuh]	شکوه [ʃokuh]		شکوهیدن [ʃokuhɪdæn]	بر ساخته: شکوهانیدن [ʃekuhɒnɪdæn]
۶۸	[ʃekuh]	شکوه [ʃekuh]		شکوهیدن [ʃekuhɪdæn]	
۶۸	[ʃekoh]	شکه [ʃekoh]		شکهیدن [ʃekohɪdæn]	
۵۱۶	[ʃækɪf]	شکیب [ʃækɪb]	[f] → [b]	شکیفتن، شکیبیدن [ʃækɪftæn], [ʃækɪbɪdæn]	بر ساخته: شکیباندن، شکیبانیدن [ʃækɪbɒndæn], [ʃækɪbɒnɪdæn] تصحیفی: شکیبایدن [ʃækɪbɔjɪdæn]
۶۳	[ʃegɒl]	شگال [ʃegɒl]		شگالیدن [ʃegɒlɪdæn]	
۷۱	[ʃegof]	شگف [ʃegof]		شگفتن، شگفیدن [ʃegoftæn], [ʃegofɪdæn]	بر ساخته: شگفاندن، شگفانیدن [ʃegofɒndæn], [ʃegofɒnɪdæn]
۷۰	[ʃegeft]	شگفت [ʃegeft]		شگفتیدن ^{۱۳} [ʃegeftɪdæn]	بر ساخته: شگفتانیدن [ʃegeftɒnɪdæn]
۷۱	[ʃeguf]	شگوف [ʃeguf]	—	شگوفتن [ʃeguftæn]	
۵۱۶	[ʃægɪf]	شگیب [ʃægɪb]	[f] → [b]	شگیفتن [ʃægɪftæn]	جای‌گزین: شگفتن [ʃægeftæn]
۵۱۷	[ʃæl]	شل [ʃæl]		شلیدن [ʃælɪdæn]	
۵۱۸	[ʃomɒr]	شمار [ʃomɒr]		شماردن، شماریدن [ʃomɒrdæn], [ʃomɒrɪdæn]	

^{۱۲} فرهنگ‌ها با ادای /ʃegeftæn/ هم آمده است، با این گواه:

شگفتم من / از کار دیونژند که هرگز نخواهد به من جز گزند (فردوسی)

ولی گمان می‌رود که «شگفت» (پارسی میانه /ʃkuf/) در این جا نقش مسند جمله را بازی کند.

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۵۱۹	[ʃæmpʊ]	شماغ [ʃæmpʊ]		شماغیدن [ʃæmpʊdæn]	
۵۱۸	[ʃomor]	شمر [ʃomor]		شمردن، شمردن [ʃomorɔdæn], [ʃomoridæn]	برساخته: شمرد/نیدن [ʃomorɔnidæn]
۵۲۰	[ʃæmæɾ]	شمر [ʃæmæɾ]		شمردن [ʃæmæɾidæn]	
۵۲۱	[ʃæmr]	شمر [ʃæmr]		شمردن [ʃæmrɔdæn]	
۵۱۹	[ʃæmyænd]	شمغند [ʃæmyænd]		شمغندیدن [ʃæmyændidæn]	
۵۱۹	[ʃæmy]	شمغ [ʃæmy]		شمغیدن [ʃæmyɔdæn]	
۵۲۲	[ʃæm]	شم [ʃæm]		شمیدن [ʃæmidæn]	برساخته: شمایدن [ʃæmɔnidæn]
۴۸۷	[ʃæm]	شم [ʃæm]		شمیدن [ʃæmidæn]	
۷۲	[ʃenɔx]	شناس [ʃenɔs]	—	شناختن، شناسیدن [ʃenɔxtæn], [ʃenɔsidæn]	برساخته: شناساندن، شناسانیدن [ʃenɔsɔnidæn], [ʃenɔsɔndæn]
۵۲۳	[ʃænɔɾ]	شنار [ʃænɔɾ]		شناریدن [ʃænɔɾidæn]	
۷۳	[ʃenɔf]	شناف [ʃenɔf]	—	شنافتن [ʃenɔftæn]	
۵۲۳	[ʃænɔv]	شناو [ʃænɔv]		شناویدن [ʃænɔvidæn]	
۵۲۴	[ʃændʒu]	شنجا، شنجای [ʃændʒɔ], [ʃændʒɔj]	[u] → [ɔ]	شنجودن [ʃændʒudæn]	
۵۲۴	[ʃændʒ]	شنج [ʃændʒ]		شنجیدن [ʃændʒidæn]	
۷۳	[ʃenɔf]	شنف [ʃenɔf]		شنفتن [ʃenɔftæn]	
۵۲۵	[ʃæŋg]	شنگ [ʃæŋg]		شنگیدن [ʃæŋgidæn]	
۷۳	[ʃenu]	شنو [ʃenæv]	[u] → [æv]	شنودن، شنویدن، شنیدن [ʃenudæn], [ʃenævɔdæn], [ʃenidæn]	جای‌گزین: شندن [ʃenɔdæn] برساخته: شنواندن، شنوانیدن [ʃenævɔndæn], [ʃenævɔnidæn]
۵۰۳	[ʃuxu]	شوخوا، شوخای [ʃuxɔ], [ʃuxɔj]	[u] → [ɔ]	شوخودن [ʃuxudæn]	
۵۲۶	[ʃux]	شوخی [ʃux]	—	شوخیدن [ʃuxɔdæn]	برساخته: شوخیانیدن [ʃuxɔnidæn]
۵۲۷	[ʃu]	شو [ʃæv]	—	شودن [ʃudæn]	جای‌گزین: شدن [ʃɔdæn]
۵۰۹	[ʃur]	شور [ʃur]		شوریدن [ʃurɔdæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۱۷۴	[ʃur]	شور	[ʃur]	شوریدن	[ʃurɔnɪdæn], [ʃurɔndæn] بر ساخته: شوراندن، شورانیدن
۱۷۴	[ʃul]	شول	[ʃul]	شولیدن	[ʃulɪdæn]
۵۲۸	[ʃumiz]	شومیز	[ʃumiz]	شومیزیدن	[ʃumizɪdæn]
۵۲۹	[ʃæhl]	شهل	[ʃæhl]	شهلیدن	[ʃæhlɪdæn]
۵۳۰	[ʃɪr]	شیار	[ʃɪr]	شیاریدن	[ʃɪrɔnɪdæn] بر ساخته: شیارنیدن
۵۳۱	[ʃɪb]	شیب	[ʃɪb]	شیبیدن	[ʃɪbɔnɪdæn] بر ساخته: شیبانیدن
۴۷۰	[ʃixul]	شیخول	[ʃixul]	شیخولیدن	[ʃixulɪdæn]
۵۳۲	[ʃi]	شین	[ʃin]	شیندن	[ʃɪdæn]
۵۳۳	[ʃif]	شیب	[f] → [b]	شیفتن، شیفتیدن	[ʃiftæn], [ʃiftɪdæn] جای‌گزین: شفتن، شفتیدن
۵۳۱	[ʃiv]	شیو	[ʃiv]	شیویدن	[ʃivɔnɪdæn], [ʃivɔndæn] بر ساخته: شیواندن، شیوانیدن
۵۳۰	[ʃæjɔr]	شییار	[ʃæjɔr]	شییاریدن	[ʃæjɔrɪdæn]
۵۳۴	[ʃæj], [ʃej]	شی	[ʃæj], [ʃej]	شییدن	[ʃæjɪdæn], [ʃejɪdæn]
۵۳۵	[særf]	صرف	[særf]	صرفیدن	[særfɪdæn]
۵۳۶	[tæror]	طرار	[tæror]	طراریدن	[tærorɪdæn]
۵۳۷	[tær]	طر	[tær]	طردیدن	[tæridæn]
۵۳۸	[tælæb]	طلب	[tælæb]	طلبیدن	[tælæbɪdæn]
۵۳۹	[ærr]	عَر	[ærr]	عَریدن	[ærrɪdæn]
۵۴۰	[æf]	عف	[æf]	عفیدن	[æfɪdæn]
۵۴۱	[ɣɔbæn]	غابندن	[ɣɔbæn]	غابندن	[ɣɔbændæn]
۵۴۲	[ɣɔræt]	غارت	[ɣɔræt]	غارتیدن	[ɣɔrætɪdæn]
۵۴۳	[ɣɔz]	غاز	[ɣɔz]	غازیدن	[ɣɔzɪdæn]
۵۴۳	[ɣɔʒ]	غاژ	[ɣɔʒ]	غاژدن، غاژیدن	[ɣɔʒdæn], [ɣɔʒɪdæn]
۵۴۴	[ɣɔl]	غال	[ɣɔl]	غالیدن	[ɣɔlɪdæn]
۵۴۵	[ɣæroʃ]	غراش	—	غراشیدن	[ɣæroʃɪdæn]
۳۵۵	[ɣæroʃ]	غراش	—	غراشیدن	[ɣæroʃɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۵۴۵	[yærʃ]	غرش	[yærʃ]	غرشیدن	[yærʃidæn]
۵۴۶	[yoronb]	غرنب	[yoronb]	غرنبیدن	[yoronbidæn]
۵۴۷	[yæræng]	غرنگ	[yæræng]	غرنگیدن	[yærængidæn]
۵۴۸	[yorv]	غرو	[yorv]	غرویدن	[yorvidæn]
۵۴۸	[yorr]	غَر	[yorr]	غَریدن	[yorrīdæn]
۵۴۸	[yeriv]	غریو	[yeriv]	غریویدن	[yerividæn]
۵۴۹	[yæz]	غز	[yæz]	غزیدن	[yæzidæn]
۵۵۰	[yæzæm]	غژم	[yæzæm]	غژمیدن	[yæzæmidæn] تصحیفی: غرمیدن [yærmīdæn]
۵۵۱	[yozul]	غژول	[yozul]	غژولیدن	[yozulidæn]
۵۵۲	[yeʒ]	غژ	[yeʒ]	غژیدن	[yeʒidæn]
۳۶۲	[yæʒ]	غژ	[yæʒ]	غژیدن	[yæʒidæn]
۵۴۴	[yælt]	غلت، غلط	[yælt]	غلتیدن، غلطیدن	برساخته: غلتانیدن، غلطانیدن، غلتانیدن، غلطانیدن، [yæltōndæn], [yæltōnidæn]
۵۴۴	[yæɫ]	غل	[yæɫ]	غلیدن	[yæɫidæn]
۵۵۳	[yændʒ]	غنچ	[yændʒ]	غنچیدن	[yændʒidæn]
۵۵۳	[yæɳʃ]	غنش	[yæɳʃ]	غنشیدن	[yæɳʃidæn]
۵۵۴	[yɔnu]	غنو	[yɔnæv] ^{[u] → [æv]}	غنودن، غنویدن	[yɔnudæn], [yɔnævidæn] تصحیفی: فنودن [fonudæn], [fænudæn]
۵۵۵	[yur]	غور	[yur]	غوریدن	[yuridæn]
۵۵۵	[yul]	غول	[yul]	غولیدن	برساخته: غولانیدن [yulōnidæn]
۳۶۲	[yiz]	غیز	[yiz]	غیزیدن	[yizidæn]
۳۶۲	[yiz]	غیژ	[yiz]	غیژیدن	[yizidæn]
۵۵۶	[yis]	غیس	[yis]	غیسیدن	[yisidæn]
۵۵۷	[yij]	غیش	[yij]	غیشیدن	برساخته: غیشانیدن [yijōnidæn]
۵۵۸	[fɔx]	فاح	[fɔx]	فاحیدن	[fɔxidæn]
۱۱۷	[fɔr]	فار	[fɔr]	فاریدن	[fɔridæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۵۵۹	[fɔʒ]	فاژ	[fɔʒ]	فاژیدن	[fɔʒidæn]
۲۰۳	[fɔn]	فان	[fɔn]	فانیدن	[fɔnidæn]
۷۶	[fot]	فت	[fot]	فتادن، فتیدن، فتدن	[fotɔdæn], [fotidæn], [fotedæn]
۷۷	[fetɔr]	فتار	[fetɔr]	فتاریدن	[fetɔridæn]
۷۷	[fetɔl]	فتال	[fetɔl]	فتالیدن	[fetɔlidæn]
۷۷	[fetær]	فتر	[fetær]	فتردن، فتریدن	[fetærdæn], [fetæridæn]
۷۷	[fetæɭ]	فتل	[fetæɭ]	فتلیدن	[fetæɭidæn]
۵۵۸	[fæxm]	فخم	[fæxm]	فخمیدن، فخمدن	[fæxmɪdæn], [fæxmɛdæn]
۷۹	[færoʊx]	فراز	[x] → [z] [færoʊz]	فراختن، فرازیدن	[færoʊxtæn], [færizidæn]
۸۰	[færoʊx]	فراخ	—	فراخیدن	[færoʊxidæn]
۷۹	[færoʊʃ]	فراز	—	فراشتن	[færoʊʃtæn]
۸۰	[færoʊʃ]	فراش	—	فراشیدن	[færoʊʃidæn]
۵۶۰	[færomuʃ]	فراموش	[færomuʃ]	فراموشیدن	[færomuʃɔndæn], [færomuʃɔnidæn]
۵۶۱	[færdʒɔm]	فرجام	[færdʒɔm]	فرجامیدن	[færdʒɔmɔnidæn]
۲۲۱	[færxɔn]	فرخان	[færxɔn]	فرخانیدن	[færxɔnidæn]
۵۶۲	[færxæs]	فرخند	[s] → [nd] [færxænd]	فرخستن	[færxæstæn]
۵۶۳	[færxæs]	فرخس	—	فرخسیدن	[færxæsidæn]
۵۶۲	[færxæʃ]	فرخش	[færxæʃ]	فرخشستن	[færxæʃtæn]
۵۶۳	[færxæʃ]	فرخش	[færxæʃ]	فرخشیدن	[færxæʃidæn]
۵۵۸	[færxæm]	فرخم	[færxæm]	فرخمیدن	[færxæmidæn]
۲۱۳	[færxæv]	فرخو	[færxæv]	فرخویدن	[færxævidæn]
۲۱۳	[færx]	فرخ	[færx]	فرخیدن	[færxidæn]
۵۶۳	[færx]	فرخ	[færx]	فرخیدن	[færxidæn]
۵۶۴	[ferest]	فرست	[ferest]	فرستادن	[ferestɔdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۵۶۵	[færsu]	فرسا، فرسای	[færsɔ̃], [færsɔ̃j]	فرسودن، فرسائیدن، فرساییدن	[færsodæn]
۵۶۵	[færs]	فرس	[færs]	فرسیدن	[færsɔ̃nidæn]
۲۸	[færyɔr]	فرغار	[færyɔr]	فرغاریدن	[færyærdæn]
۲۸	[færyɔ]	فرغا، فرغای	[færyɔ], [færyɔj]	فرغائیدن، فرغاییدن	[færyɔidæn], [færyɔjidæn]
۵۶۶	[færkæn]	فرکن	[færkæn]	فرکندن	[færkændæn]
۵۶۷	[færkænd]	فرکند	[færkænd]	فرکندیدن	[færkændidæn]
۲۱۷	[færmu]	فرما، فرمای	[færmɔ̃], [færmɔ̃j]	فرمودن	[færmudæn]
۵۶۰	[færmuʃ]	فرموش	[færmuʃ]	فرموشیدن	[færmuʃidæn]
۲۲۱	[færmɔx]	فرناخ	—	فرناخیدن	[færmɔxidæn]
۸۲	[forux]	فروز	[x] → [z]	فروختن، فروزیدن	[foruzɔ̃nidæn]
۵۶۸	[forux]	فروش	—	فروختن، فروشیدن	[foroxtæn]
۲۱۹	[færvær]	فرور	[færvær]	فروردن	[færværdæn]
۲۲۱	[færhæx]	فرهنج	[x] → [ndʒ]	فرهختن، فرهنجیدن	[færhæxtæn], [færhændʒidæn]
۱۶۰	[færhu]	فرها، فرهای	[færhɔ̃], [færhɔ̃j]	فرهودن	[færhudæn]
۲۲۱	[færhix]	فرهیز	[x] → [z]	فرهیختن، فرهیزیدن	[pærhizɔ̃nidæn]
۸۳	[ferhif]	فرهیب	[f] → [b]	فرهیفتن	[ferhiftæn]
۸۳	[ferif]	فریب	[f] → [b]	فریفتن، فریبیدن	[fereftæn], [feribidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
					برساخته: فریباندن [feribɔndæn]
۵۶۹	[ferivær]	فریور [ferivær]		فریوریدن [feriværidæn]	
۸۳	[feriv]	فریو [feriv]		فریویدن [ferividæn]	برساخته: فریواندن، فریوانیدن [ferivɔndæn], [ferivɔnidæn]
۸۴	[fæzu]	فزا، فزای [fæzɔ], [æfzɔj]	[u] → [ɔ]	فزودن، فزائیدن، فزاییدن، فزایستن [fæzudæn], [fæzɔidæn], [fæzɔjidæn], [fæzɔjestæn]	
۸۵	[fæzɔl]	فزول [fæzɔl]		فزولیدن [fæzɔlidæn]	
۲۲۶	[fɛzɔl]	فزول [fɛzɔl]		فزولیدن [fɛzɔlidæn]	
۱۷۴	[fɛzɔl]	فزول [fɛzɔl]		فزولیدن [fɛzɔlidæn]	
۲۲۷	[fæzɔh]	فزه [fæzɔh]		فزهیدن [fæzɔhidæn]	
۸۹	[fæsnɔn]	فسان [fæsnɔn]		فسانیدن [fæsnɔnidæn]	
۸۷	[fæsnɔ]	فسا، فسای [fæsnɔ], [fæsnɔj]		فسانیدن، فساییدن [fæsnɔidæn], [fæsnɔjidæn]	
۹۰	[fesɔr]	فسر [fesɔr]		فسردن [fesɔrdæn]	برساخته: فسرانندن، فسرانیدن [fesɔrɔndæn], [fesɔrɔnidæn]
۵۷۰	[fɔsɔs]	فسوس [fɔsɔs]		فسوسیدن [fɔsɔsidæn]	
۵۷۱	[fæsiβ]	فسیب [fæsiβ]		فسیبیدن [fæsiβidæn]	برساخته: فسیبانیدن [fæsiβɔnidæn]
۸۶	[fɛfɔr]	فشار [fɛfɔr]		فشاردن [fɛfɔrdæn]	
۸۸	[fɛfɔn]	فشان [fɛfɔn]		فشاندن، فشانیدن [fɛfɔndæn], [fɛfɔnidæn]	
۸۶	[fɛfɔr]	فشر [fɛfɔr]		فشردن [fɛfɔrdæn]	
۵۷۱	[fæʃ]	فش [fæʃ]		فشیدن [fæʃidæn]	
۹۲	[fekæn]	فکن [fekæn]		فکندن [fekændæn]	
۹۱	[fægɔr]	فکار [fægɔr]		فکاردن [fægɔrdæn]	
۹۲	[fegæn]	فگن [fegæn]		فگندن [fegændæn]	
۵۵۸	[fælxæm]	فلخم [fælxæm]		فلخمیدن [fælxæmidæn]	
۵۵۸	[fælxu]	فلخا، [fælxɔ], [fælxɔj]	[u] → [ɔ]	فلخودن [fælxudæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
		فلخای			
۵۵۸	[fælx]	فلخ	[fælx]	فلخیدن	[fælxidæn]
۳۴۱	[felesk]	فلسک	[felesk]	فلسکیدن	[feleskidæn], [feleskɔndæn], برساخته: فلسکاندن، فلسکانیدن
۹۴	[fæləndʒ]	فلنج	[fæləndʒ]	فلنجیدن	[fæləndʒidæn]
۵۷۲	[fælix]	فلیز	[x] → [z]	فلیختن	[fælixʔæn]
۵۵۹	[fændʒ]	فنج	[fændʒ]	فنجیدن	[fændʒidæn]
۵۷۳	[fævt], [fowt]	فوت	[fævt], [fowt]	فوتیدن	[fævtidæn], [fowtidæn]
۵۷۴	[fuz]	فوز	[fuz]	فوزیدن	[fuzidæn]
۵۷۵	[fæhm]	فهم	[fæhm]	فهمیدن	[fæhmɔndæn], [fæhmɔnidæn], برساخته: فهماندن، فهمانیدن
۵۷۶	[fir]	فیر	[fir]	فیریدن	[firidæn]
۵۷۷	[fæj], [fej]	فی	[fæj], [fej]	فییدن	[fæjidæn], [fejidæn]
۵۷۸	[yɔp]	قاپ	[yɔp]	قاپیدن	[yɔpidæn]
۵۷۹	[yɔti]	قاتی	—	قاتیدن	[yɔtidæn]
۵۸۰	[yæbulɔn]	قبولان	[yæbulɔn]	قبولاندن، قبولانیدن	[yæbulɔndæn], [yæbulɔnidæn]
۵۸۱	[yolonb]	قلنب	[yolonb]	قلنبیدن	[yolonbidæn]
۶۵	[kɔb]	کاب	[kɔb]	کابیدن	[kɔbidæn]
۵۸۲	[kɔh]	کاه	[kɔh]	کاستن، کاهیدن	[kɔstæn], [kɔhidæn], برساخته: کاهانیدن
۵۸۳	[kɔɹ]	کار	[ɹ] → [r]	کاشتن، کاریدن	[kɔʃtæn], [kɔridæn], جای‌گزین: کشتن [keʃtæn] برساخته: کارانیدن [kɔrɔnidæn]
۵۸۴	[kɔɣ]	کاغ	[kɔɣ]	کاغیدن	[kɔɣidæn]
۶۵	[kɔf]	کاف	—	کافتن، کافیدن، کافتیدن	[kɔftæn], [kɔfidæn], [kɔftidæn]
۳۶	[kɔlof]	کالف	[kɔlof]	کالفتن	[kɔloftæn]
۵۸۵	[kɔl]	کال	[kɔl]	کالیدن	[kɔlidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۵۸۶	[kɒm]	کام	[kɒm]	کامیدن	[kɒmidæn]
۶۵	[kɒv]	کاو	[kɒv]	کاویدن	بر ساخته: کاونیدن [kɒvɒnidæn]
۵۸۷	[kæp]	کپ	[kæp]	کپیدن	[kæpidæn]
۵۸۸	[kæɪrdʒ]	کراج	[kæɪrdʒ]	کراجیدن	[kæɪrdʒidæn]
۶۲۱	[kɒrɒz]	کراز	[kɒrɒz]	کرازیدن	[kɒrɒzidæn]
۵۸۹	[kæɪrʃ]	کراش	[kæɪrʃ]	کراشیدن	[kæɪrʃidæn]
۶۲۳	[kɛrɒm]	کرام	[kɛrɒm]	کرامیدن	[kɛrɒmidæn]
۵۹۰	[kæɪ]	کن	[kɒn]	کردن، کنیدن	بر ساخته: کنانیدن، کنانیدن، کرد/انیدن [kɒnnidæn], [kɒnɒndæn], [kæɪrdɒnidæn]
۵۹۱	[kæɪrs]	کرس	[kæɪrs]	کرسیدن	[kæɪrsidæn]
۵۹۱	[kæɪrʃ]	کرش	[kæɪrʃ]	کرشیدن	[kæɪrʃidæn]
۵۹۱	[kæɪrɪs]	کریس	[kæɪrɪs]	کریسیدن	[kæɪrɪsidæn]
۵۹۲	[kæɪzd]	کزذ	[kæɪzd]	کزذیدن	[kæɪzdidæn]
۵۹۳	[kæɪzɒr]	کززار	[kæɪzɒr]	کززاریدن	[kæɪzɒridæn]
۴۸۵	[kɒsæs]	کسل	[kɒsel]	کسستن، کسلیدن	[kɒsæstæn], [kɒselidæn]
۵۹۴	[kɒʃ]	کش	[kɒʃ]	کشتن	[kɒʃtæn]
۶۵	[keʃʊb]	کشوب	[keʃʊb]	کشوبیدن	[keʃʊbidæn]
۶۳۹	[kɒʃʊ]	کشای، کشای	[kɒʃʊ], [kɒʃʊ]	کشودن، کشادن	[kɒʃʊdæn], [kɒʃʊdæn]
۶۵	[keʃʊf]	کشوف	[keʃʊf]	کشوفتن	[keʃʊftæn]
۵۵۲	[kæʃ]	کش	[kæʃ]	کشیدن	[kæʃɒnidæn], [kæʃɒndæn]
۶۵	[kæf]	کف	[kæf]	کفتن، کفیدن	[kæftæn], [kæfidæn]
۵۹۵	[kæɪʃ]	کلچ	[kæɪʃ]	کلچیدن	[kæɪʃɒnidæn]
۵۹۶	[kɒlæn]	کلن	[kɒlæn]	کلندن	[kɒlændæn]
۵۹۷	[kæɪlænd]	کلند	[kæɪlænd]	کلندیدن	[kæɪlændidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۵۹۸	[koludʒ]	کلوج [koludʒ]		کلوجیدن [koludʒidæn]	
۵۹۸	[koluʃ]	کلوچ [koluʃ]		کلوچیدن [koluʃidæn]	
۶۴۲	[komɒr]	کمار [komɒr]		کماریدن [komɒridæn]	
۶۴۴	[komix]	کمیز [komiz]	[x] → [z]	کمیزیدن، کمیزیدن [komixtæn], [komizidæn]	بر ساخته: کمیزاندن، کمیزانیدن [komizɒndæn], [komizɒnidæn]
۵۹۹	[kæm]	کم [kæm]		کمیدن [kæmidæn]	
۶۰۰	[kænbur]	کنبور [kænbur]		کنبوریدن [kænburidæn]	
۶۰۱	[kænb]	کنب [kænb]		کنبیدن [kænbidæn]	
۳۱۵	[konb]	کنب [konb]		کنبیدن [konbidæn]	بر ساخته: کنبانیدن [konbɒnidæn]
۶۰۲	[kæn]	کن [kæn]		کندن، کندیدن [kændæn], [kændidæn]	
۶۰۰	[kænur]	کنور [kænur]		کنوریدن [kænuridæn]	
۱۲۷	[kovɒl]	کوال [kovɒl]		کوالیدن [kovɒlidæn]	
۶۰۳	[kuʃ]	کوچ [kuʃ]		کوچیدن [kuʃidæn]	بر ساخته: کوچاندن، کوچانیدن [kuʃɒndæn], [kuʃɒnidæn]
۶۰۴	[kus]	کوس [kus]		کوستن، کوسیدن [kustæn], [kusidæn]	جای‌گزین: کستن [kostæn] تصحیفی: گستن [gostæn]
۶۳۹	[kuʃɒ]	کوشا، کوشای [kuʃɒ], [kuʃɒj]		کوشادن [kuʃɒdæn]	
۶۰۵	[kuʃ]	کوش [kuʃ]		کوشیدن [kuʃidæn]	
۶۰۴	[kuf]	کوب [kuf]	[f] → [b]	کوفتن، کوبیدن [kuftæn], [kubidæn]	جای‌گزین: کفتن، کبیدن [koftæn], [kobidæn] بر ساخته: کوباندن، کوبانیدن [kubɒndæn], [kubɒnidæn]
۶۰۶	[kul]	کول [kul]		کولیدن [kulidæn]	
۶۵۵	[kuhær]	کوهر [kuhær]		کوهریدن [kuhæridæn]	
۶۰۷	[kæviz]	کویز [kæviz]		کویزیدن [kævizdæn]	
۶۰۴	[kovis]	کویس [kovis]		کویستن، کویستنیدن [kovistæn], [kovistidæn]	تصحیفی: گویستن [govistæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۶۰۸	[koh]	که	[koh]	کهیدن	[kohidæn]
۶۰۹	[kib]	کیب	[kib]	کیبیدن	[kibidæn]
۶۱۰	[kæjppɒn], [kejppɒn]	کیپان	[kæjppɒn], [kejppɒn]	کیپانیدن	[kæjppɒnidæn], [kejppɒnidæn]
۶۱۱	[kip]	کیپ	[kip]	کیپیدن	[kipidæn]
۶۱۱	[kif]	کیف	[kif]	کیفتن	[kiftæn]
۶۱۲	[gɒ]	گا، گای	[gɒ], [gɔj]	گادن، گائیدن، گاییدن	[gɒdæn], [gɔidæn], [gɔjidæn]
۵۴۴	[gɒlt]	گالت	[gɒlt]	گالتیدن	[gɒltidæn]
۶۱۳	[gɒl]	گال	[gɒl]	گالیدن	[gɒlidæn]
۵۴۴	[gɒl]	گال	[gɒl]	گالیدن	[gɒlidæn]
۶۱۴	[gɒm]	گام	[gɒm]	گامیدن	[gɒmidæn]
۶۱۵	[gɒvæh]	گاوه	[gɒvæh]	گاوهیدن	[gɒvæhidæn]
۶۱۶	[gɒp]	گپ	[gɒp]	گپتن	[gɒptæn]
۶۱۷	[godɒx]	گداز	[x] → [z]	گداختن، گدازیدن	[godɒxtæn], [godɒzidæn]
۶۱۸	[gozɒʃ], [goɒʃ]	گزار	[ʃ] → [r]	گذاشتن، گزاردن	[gozɒʃtæn], [goɒʃtæn], [gozɒrdæn], [goɒrdæn]
۶۱۹	[gozæʃ], [goɒæʃ]	گذر	—	گذشتن	[gozæʃtæn], [goɒæʃtæn]
۶۲۱	[gorɒz]	گراز	[gorɒz]	گرازیدن	[gorɒzidæn]
۶۲۲	[gæɒrʃ]	گزار	[ʃ] → [r]	گزارشتن	[gæɒrʃtæn]
۳۵۵	[gæɒrʃ]	گراش	—	گراشیدن	[gæɒrʃidæn]
۶۲۳	[gerɒm]	گرم	[gerɒm]	گرمیدن	[gerɒmidæn]
۶۲۴	[gæɒrɒn]	گران	[gæɒrɒn]	گرانیدن	[gæɒrɒndæn]
۶۲۳	[gerɒn]	گران	[gerɒn]	گرانیدن	[gerɒnidæn]
۷۱۸	[gerɒh]	گراه	[gerɒh]	گراهیدن	[gerɒhidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۷۱۸	[gerɔ]	گرا، گرای	[gerɔ], [gerɔj]	گرائیدن، گراییدن، گرایستن	[gerɔidæn], [gerɔjidæn], [gerɔjestæn]
۶۲۵	[gerɛf]	گیر، گر	[gir], [ger]	گرفتن	برساخته: گیرانیدن، گیرانیدن، گرانیدن [girɔnidæn], [girɔndæn], [gerɔnidæn]
۶۲۶	[gærm]	گرم	[gærm]	گرمیدن	[gærmidæn]
۷۱۸	[geræv]	گرو	[geræv]	گرویدن	برساخته: گروانیدن [gerævɔnidæn]
۶۲۷	[gorix]	گریز	[goriz]	گریختن، گریزیدن	جای‌گزین: گریختن [gɔrextæn] برساخته: گریزانیدن، گریزانیدن [gorizɔndæn], [gorizɔnidæn] تصحیفی: گریفتن، گریفتن، کریفتن [goriftæn], [goriytæn], [korytæn]
۷۱۸	[ger]	گر	[ger]	گریدن	[geridæn]
۳۵۵	[gæɛr]	گر	[gæɛr]	گریدن	[gæridæn]
۶۲۸	[geri]	گری	[geri]	گریستن	جای‌گزین: گریستن [gerestæn]
۶۲۸	[gerj]	گری	[gerj]	گرییدن	برساخته: گریانیدن، گریانیدن [gerjɔnidæn], [gerjɔndæn]
۶۳۰	[gozɔs]	گزاس	[gozɔs]	گزاستن	[gozɔstæn]
۶۳۱	[gozɔ]	گزار	[gozɔr]	گزارشتن، گزاردن، گزاریدن	[gozɔftæn], [gozɔrdæn], [gozɔridæn]
۶۳۲	[gozɔ]	گزا، گزای	[gozɔ], [gozɔj]	گزایستن	[gozɔjestæn]
۶۲۹	[gæzɔ]	گزا، گزای	[gæzɔ], [gæzɔj]	گزاییدن، گزاییدن	[gæzɔidæn], [gæzɔjidæn]
۶۳۳	[goz]	گزین	[gozin]	گزیدن	[gozidæn]
۶۲۹	[gæz]	گز	[gæz]	گزیدن	برساخته: گزانیدن [gæzɔnidæn]
۶۳۴	[gozir]	گزیر	[gozir]	گزیردن، گزیریدن	جای‌گزین: گزردن، گزردن، گزردن، تصحیفی: گزردن، گزردن، گزردن [gozirdæn], [gozidæn], [gozirdæn], [gozirdæn], [gozirdæn] [kozærdæn]
۶۳۵	[gosɔr]	گسار	[gosɔr]	گساردن	تصحیفی: گساردن [kosɔrdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
				گساریدن	
۶۳۶	[gostær]	گستر	[gostær]	گستریدن، گستریدن	بر ساخته: گستراندن، گسترانیدن [gostærdæn], [gostæridæn]
۴۸۵	[gosæs]	گسل	[gosel]	گسستن، گسلیدن	بر ساخته: گسلاندن، گسلانیدن [gosæstæn], [goselidæn] تصحیفی: گسانیدن [gosønidaen]
۴۸۵	[gosix]	گسل	[gosel]	گسیختن، گسلیدن	جای‌گزین: گسختن [gosexten] بر ساخته: گسلاندن، گسلانیدن [goselidæn], [goselbndaen] تصحیفی: گسانیدن [gosønidaen]
۶۳۷	[gæf]	گرد	[gærd]	گشتن، گردیدن	بر ساخته: گرداندن، گردانیدن، گاشتن [gærdændaen], [gærdbndaen] [gærdbndaen], [gærdidæn]
۶۳۸	[goʃn]	گشن	[goʃn]	گشنیدن	[goʃnidaen]
۶۳۹	[goʃu]	گشا، گشای	[goʃu], [goʃu]	گشودن، گشادن، گشائیدن، گشاییدن	بر ساخته: گشایانیدن [goʃuʃnidaen]
۶۱۶	[goftør]	گفتار	[goftør]	گفتاریدن	[goftørdaen]
۶۱۶	[gof]	گو، گوی	[gu], [guj]	گفتن، گوئیدن، گوئییدن	بر ساخته: گویانیدن [gøjvndaen]
۶۴۰	[golu]	گلا، گلای	[golb], [golb]	گلودن	[goludæn]
۶۴۱	[gol]	گل	[gol]	گلیدن	بر ساخته: گلاندن، گلانیدن [golbndaen], [golbndaen]
۶۴۲	[gomɒf]	گمار	[gomɒr]	گماشتن، گماردن، گماریدن	[gomɒftæn], [gomɒrdaen], [gomɒridæn]
۶۴۳	[gomɒn]	گمان	[gomɒn]	گمانیدن	[gomɒnidaen]
۶۴۴	[gomix]	گمیز	[gomiz]	گمیختن، گمیزیدن	بر ساخته: گمیزاندن، گمیزانیدن [gomizbndaen], [gomizbndaen]
۳۱۵	[gonb]	گنب	[gonb]	گنبدن	بر ساخته: گنبدانیدن [gonbndaen]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۶۴۵	[gondʒ]	گنج	[gondʒ]	گنجیدن	[gondʒonidæn], [gondʒondæn] بر ساخته: گنجانیدن، گنجانیدن
۶۴۶	[gænd]	گند	[gænd]	گندیدن	[gændonidæn], [gændondæn] بر ساخته: گندانیدن، گندانیدن، گندانیدن تصحیفی: گندن [gændæn]
۶۴۷	[gæn]	گن	[gæn]	گنستن	[gænestæn]
۶۴۸	[govvʌz]	گواز	[govvʌz]	گوازیدن	[govvʌzidæn]
۶۴۹	[gævvʌʒ]	گواژ	[gævvʌʒ]	گواژی‌دن	[gævvʌʒidæn]
۶۵۰	[govvʌ]	گوار	[govvʌ] → [r]	گواشتن، گواردن، گواریدن	[govvʌftæn], [govvʌrdæn], [govvʌridæn] بر ساخته: گوارانیدن، گوارانیدن، گوارانیدن
۱۲۷	[govvʌ]	گوال	[govvʌ]	گوالیدن	[govvʌonidæn], [govvʌondæn] بر ساخته: گوالانیدن، گوالانیدن، گوالانیدن
۶۵۱	[gur]	گور	[gur]	گوریدن	[gurʌndæn], [gurʌnidæn] بر ساخته: گورانیدن، گورانیدن، گورانیدن
۶۵۲	[guz]	گوز	[guz]	گوزیدن	[guzidæn]
۶۵۳	[guʃ]	گوش	[guʃ]	گوشیدن	[guʃidæn]
۶۵۴	[gul]	گول	[gul]	گولیدن	[gulidæn]
۶۵۵	[guhær]	گوهر	[guhær]	گوهریدن	[guhæridæn]
۶۵۵	[gæhul]	گهول	[gæhul]	گهولیدن	[gæhulidæn]
۶۵۶	[gidʒ]	گیج	[gidʒ]	گیجیدن	[gidʒidæn]
۶۵۷	[lʌb]	لاب	[lʌb]	لابیدن	[lʌbidæn]
۶۵۸	[lʌs]	لاس	[lʌs]	لاسیدن	[lʌsidæn]
۶۵۹	[lʌʃ]	لاش	—	لاشیدن	[lʌʃidæn]
۶۶۰	[lʌvæɹ]	لاغر	[lʌvæɹ]	لاغریدن	[lʌværidæn]
۶۵۷	[lʌv]	لاغ	[lʌv]	لاغیدن	[lʌvidæn]
۶۵۷	[lʌf]	لاف	—	لافیدن	[lʌfidæn]
۶۵۷	[lʌm]	لام	[lʌm]	لامیدن	[lʌmidæn]
۶۶۱	[lʌn]	لان	[lʌn]	لانیدن، لانیدن	[lʌndæn], [lʌnidæn]
۶۵۷	[lʌv]	لاو	[lʌv]	لاویدن	[lʌvidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۶۵۷	[lɒ]	لا، لای	[lɒ], [lɔj]	لائیدن، لاییدن	[lɒɪdæn], [lɔjɪdæn]
۶۵۷	[læb]	لب	[læb]	لبیدن	[læbɪdæn]
۵۰۵	[læxʃ]	لخش	[læxʃ]	لخشیدن	بر ساخته: لخشاندن، لخشانییدن [læxʃɒndæn], [læxʃɒnɪdæn]
۶۶۲	[lærz]	لرز	[lærz]	لرزیدن	بر ساخته: لرزاندن، لرزانییدن [lærzɒndæn], [lærzɒnɪdæn]
۶۶۳	[læʃ]	لرد	[lærd]	لشتن	[læʃtæn]
۵۰۵	[læyz]	لغز	[læyz]	لغزیدن	بر ساخته: لغزاندن، لغزانییدن [læyzɒndæn], [læyzɒnɪdæn]
۶۶۴	[læyʝ]	لغ، لث	[læyʝ]	لغیدن، لثیدن	بر ساخته: لغاندن، لثاندن، لغانییدن، لثانییدن [læyʝɒndæn], [læyʝɒnɪdæn]
۶۶۵	[lok]	لک	[lok]	لکیدن	[lokɪdæn]
۶۶۶	[læmpɔz]	لماز	[læmpɔz]	لمازیدن	[læmpɔzɪdæn]
۶۶۷	[læm]	لم	[læm]	لمیدن	[læmɪdæn]
۶۶۸	[lonbɒn]	لنبان	[lonbɒn]	لنبانیدن، لنبانییدن	[lonbɒndæn], [lonbɒnɪdæn]
۶۶۹	[lændʒ]	لنچ	[lændʒ]	لنچیدن	[lændʒɪdæn]
۶۷۰	[lɒnd]	لند	[lɒnd]	لندییدن	[lɒndɪdæn]
۶۷۱	[læng]	لنگ	[læng]	لنگیدن	بر ساخته: لنگانییدن [længɒnɪdæn]
۶۷۲	[luʃ]	لوچ	[luʃ]	لوچیدن	بر ساخته: لوچاندن، لوچانییدن [luʃɒndæn], [luʃɒnɪdæn]
۶۷۳	[lus]	لوس	[lus]	لوسیدن	[lusɪdæn]
۶۷۴	[luʃ]	لوش	[luʃ]	لوشیدن	بر ساخته: لوشانییدن [luʃɒnɪdæn]
۶۷۵	[luʝ]	لوغ	[luʝ]	لوغیدن	بر ساخته: لوغانییدن [luʝɒnɪdæn]
۶۷۶	[luk]	لوک	[luk]	لوکیدن	[lukɪdæn]
۶۷۷	[lul]	لول	[lul]	لولیدن	[lulɪdæn]
۶۷۸	[leh]	له	[leh]	لهیدن	بر ساخته: لهاندن، لهانییدن [lehɒndæn], [lehɒnɪdæn]
۵۰۵	[liz]	لیز	[liz]	لیزیدن	بر ساخته: لیزاندن، لیزانییدن [lizɒndæn], [lizɒnɪdæn]
۶۷۹	[liʃ]	لیس	[lis]	لیشتن، لیستن، لیسیدن	جای‌گزین: لشتن، لستن، لسیدن [lesɪdæn], [leʃtæn], [lestæn] بر ساخته: لیسانییدن [lisɒnɪdæn]
۶۸۰	[læj], [lej]	لی	[læj], [lej]	لییدن	[læjɪdæn], [lejɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۶۸۱	[mɒʃ]	ماچ	[mɒʃ]	ماچیدن	[mɒʃɪdæn]
۶۸۲	[mɒs]	ماس	[mɒs]	ماسیدن	[mɒsɪdæn], [mɒsɒndæn], برساخته: ماساندن، ماسانیدن
۶۸۳	[mɒl]	مال	[mɒl]	مالیدن	[mɒlbɒndæn], [mɒlbɒnidæn], برساخته: مالاندن، مالانیدن
۶۸۴	[mɒn]	مان	[mɒn]	ماندن، مانیدن	[mɒndæn], [mɒnidæn]
۶۸۵	[mɒn]	مان	[mɒn]	ماندن، مانیدن، مانستن	[mɒndæn], [mɒnidæn], [mɒnestæn]
۶۸۶	[motk]	متک	[motk]	متکیدن	[motkɪdæn]
۶۸۷	[mædʒ]	مچ	[mædʒ]	مچیدن	[mædʒɪdæn]
۳۴۳	[mæʃ]	مچ	[mæʃ]	مچیدن	[mæʃɪdæn]
۶۸۸	[mæxɒ]	مخا، مخای	[mæxɒ], [mæxɒj]	مخائیدن، مخاییدن	[mæxɒɪdæn], [mæxɒjɪdæn] تصحیفی: محائیدن [mæhɒɪdæn]
۶۸۹	[mæxm]	مخم	[mæxm]	مخمیدن	[mæxmɪdæn]
۶۹۰	[mæx]	مخ	[mæx]	مخیدن	[mæxɪdæn]
۶۹۱	[mærvɔ]	مراع	[mærvɔ]	مراعیدن	[mærvɔɪdæn]
۶۹۲	[mor]	مر، میر	[mor], [mir]	مردن، مریدن	[mɒrdæn], [morɪdæn], برساخته: میراندن، میرانیدن
۶۹۳	[morz]	مرز	[morz]	مرزیدن	[morzɪdæn]
۱۵۴	[mærz]	مرز	[mærz]	مرزیدن	[mærzɒnidæn], برساخته: مرزانیدن
۶۹۴	[mærus]	مروس	[mærus]	مروسیدن	[mærusɪdæn]
۶۹۵	[mær]	مر	[mær]	مریدن	[mæridæn]
۶۹۶	[mæz]	مز	[mæz]	مزیدن	[mæzɪdæn]
۶۹۷	[mæʒ]	مژ	[mæʒ]	مژیدن	[mæʒɪdæn]
۳۴۳	[mes]	مس	[mes]	مسیدن	[mesɪdæn]
۶۹۸	[moʃ]	مش	[moʃ]	مشتن	[moʃtæn]
۶۹۹	[moʃk]	مشک	[moʃk]	مشکیدن	[moʃkɪdæn]
۷۰۰	[mævz]	مغز	[mævz]	مغزیدن	[mævzɪdæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۶۹۷	[mæk]	مک	[mæk]	مکیدن	[mækniðæn], [mækniðæn]
۶۶۹	[melændʒ]	ملنج	[melændʒ]	ملنجیدن	[melændʒiðæn]
۷۰۱	[mænʃ]	منش	[mænʃ]	منشیدن	[mænʃiðæn]
۷۰۲	[mæng]	منگ	[mæng]	منگیدن	[mængiðæn]
۷۰۴	[mul]	مول	[mul]	مولیدن	[mulidæn]
۷۰۳	[mu]	مو، موی	[mu], [muj]	موئیدن، موییدن	[muidæn], [mujidæn]
۷۰۵	[miʃu]	میچا، میچای	[miʃʊ], [miʃʊj]	میچودن	[miʃʊniðæn]
۷۰۶	[mix]	میز	[x] → [z]	میختن، میزیدن	[mixtæn], [mizidæn]
۷۰۷	[mi]	مین	[n]	میدن	[midæn]
۷۰۸	[miros]	میراث		میراثیدن، میراثیدن	[mirosedæn], [mirosidæn]
۷۰۹	[milɒv]	میلاو	[milɒv]	میلاویدن	[milɒviðæn]
۷۱۱	[nɒr]	نار	[nɒr]	ناریدن	[nɒridæn]
۷۱۰	[nɒz]	ناز	[nɒz]	نازیدن	[nɒzidæn]
۷۱۲	[nɒs]	ناس	[nɒs]	ناسیدن	[nɒsidæn]
۷۱۱	[nɒl]	نال	[nɒl]	نالیدن	[nɒlniðæn], [nɒlniðæn]
۷۱۳	[nɒm]	نام	[nɒm]	نامیدن	[nɒmidæn]
۷۱۴	[nɒnæmj]	نانش	[nɒnæmj]	نانشیدن	[nɒnæmjidæn]
۷۱۵	[nɒv]	ناو	[nɒv]	ناویدن	[nɒvniðæn]
۷۱۰	[nɒ]	نا، نای	[nɒ], [nɒj]	نائیدن، ناییدن	[nɒidæn], [nɒjidæn]
۷۱۶	[næbæʃ]	نبرد	—	نیشتن	[næbæʃtæn]
۷۱۷	[nebeʃ]	نپیس	—	نیشتن، نپیسیدن	[nebeʃtæn], [nebisidæn]
۷۱۷	[nepeʃ]	نپیس	—	نپشتن	[nepeʃtæn]
۶۱	[nesɒr]	نثار	[nesɒr]	نثاردن، نثاریدن	[nesɒridæn], [nesɒridæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگردیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۱۲۸	[næxdʒiz]	نخجیز	[næxdʒiz]	نخجیزیدن	[næxdʒizidæn]
۱۲۸	[næxʃɪz]	نخچیز	[næxʃɪz]	نخچیزیدن	[næxʃɪzidæn]
۶۲۰	[næxʃ]	نخش	[næxʃ]	نخشیدن	[næxʃidæn]
۷۱۹	[nærmu]	نرما، نرمای	[nærmʊ], [nærmɔ]	نرمودن	[nærmudæn]
۷۲۰	[næz]	نر	[næz]	نریدن	[næzidæn]
۷۲۱	[næzmu]	نرما، نرمای	[næzɹmʊ], [næzɹmɔ]	نرمودن	[næzɹmudæn]
۷۲۰	[næz]	نر	[næz]	نریدن	[næzidæn]
۷۲۲	[nes]	نس	[nes]	نسیدن	[nesidæn]
۵۰۸	[neʃɒx]	نشاخ	[neʃɒx]	نشاختن، نشاخیدن	[neʃɒxtæn], [neʃɒxidæn]
۵۰۸	[neʃɒ]	نشا، نشای	[neʃɒ], [neʃɔ]	نشاستن	[neʃɒstæn]
۵۰۸	[neʃ]	نش	[neʃ]	نشتن، نشیدن	[neʃɒnidæn], [neʃɒndæn], [neʃɒnestæn]
۵۰۸	[neʃæs]	نشین	[neʃɪn]	نشستن	[neʃæstæn]
۷۲۳	[neʃkɒndʒ]	نشکنج	[neʃkɒndʒ]	نشکنجیدن	[neʃkɒndʒidæn]
۱۷۰	[næʃl]	نشل	[næʃl]	نشلیدن	[næʃlidæn]
۷۲۴	[næʃz]	نفر	[næʃz]	نفریدن	[næʃɹændæn]
۷۲۵	[neʃuʃɒk]	نغوشاک	[neʃuʃɒk]	نغوشاکیدن	[neʃuʃɒkidæn]
۷۲۶	[næfrɪ]	نفرین	[næfrɪn]	نفریدن	[næfrɪdæn]
۷۲۹	[nekæn]	نکن	[nekæn]	نکندن	[nekændæn]
۷۲۷	[nekuh]	نکوه	[nekuh]	نکوهیدن	[nekuhidæn]
۷۲۸	[negɒ]	نگار	[negɒr]	نگاشتن، نگاردن، نگاریدن	[negɒʃtæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدر جای‌گزین / بر ساخته / تصحیفی
۶۲۴	[negɒh]	نگاه	[negɒh]	نگاهیدن	[negɒhidæn]
۶۲۴	[negær]	نگر	[negær]	نگریدن، نگریستن، نگرستن	[negæridæn], [negæristæn], [negærestæn]
۷۲۹	[negæɪn]	نگن	[negæɪn]	نگندن	[negændæn]
۷۳۰	[næmjʃ]	نمش	[næmjʃ]	نمشیدن	[næmjʃidæn]
۷۳۱	[nemu]	نما، نمای	[nɛmɔ̃], [nɛmɔ̃]	نمودن، نمادن	[nemudæn], [nemɔ̃dæn]
۷۳۲	[næm]	نم	[næm]	نمیدن	[næmidæn]
۷۳۳	[nomid]	نمید	[nomid]	نمیدن	[nomidæn]
۷۳۵	[nævɔx]	نواز	[x] → [z]	نواختن، نوازیدن	[nævɔxtæn], [nævɔzidæn]
۷۳۶	[nævɔr]	نوار	[nævɔr]	نواریدن	[nævɔridæn]
۷۳۷	[nævɔs]	نواس	[nævɔs]	نواستن	[nævɔstæn]
۷۳۸	[nævɔʃ]	نوار	[nævɔr]	نواشتن	[nævɔʃtæn]
۷۱۱	[nævɔl]	نوال	[nævɔl]	نوالیدن	[nævɔjidæn]
۷۳۴	[nævɔ]	نوا، نوای	[nævɔ], [nævɔ]	نوائیدن، نواییدن	[nævɔidæn], [nævɔjidæn]
۷۱۰	[nævɔ]	نوا، نوای	[nævɔ], [nævɔ]	نوائیدن، نواییدن	[nævɔidæn], [nævɔjidæn]
۷۳۹	[nævbeʃ], [nowbeʃ]	نوبش	[nævbeʃ], [nowbeʃ]	نوبشتن	[nævbeʃtæn], [nowbeʃtæn]
۷۴۰	[nub]	نوب	[nub]	نوبیدن	[nubidæn]
۷۴۱	[nævɦ], [nowɦ]	نوح	[nævɦ], [nowɦ]	نوحیدن	[nævɦidæn], [nowɦidæn]
۷۴۲	[nuʒ]	نوژ	[nuʒ]	نوژیدن	[nuʒidæn]
۷۱۶	[nævæʃ]	نورد	[næværd]	نوشتن، نوردیدن، نوردن	[nævæʃtæn], [næværdidæn], [næværdæn]
۷۴۳	[nuʃ]	نوشت	[nuʃ]	نوشتن، نوشیدن، نوشتن	[nuʃtæn], [nuʃidæn], [nuʃedæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۷۱۷	[nevef]	نویس [nevis]	—	نوشتن، نویستن، نویسدن	جای‌گزین: نوشتن [nevestæn] برساخته: نویساندن، نویسانیدن [nevisɔndæn], [nevisɔnidæn]
۷۴۲	[nuf]	نوف [nuf]	—	نوفیدن	
۷۴۴	[næv̩m], [nowm]	نوم [næv̩m], [nowm]		نومیدن	
۷۰۳	[nu]	نو [næv̩], [nu]	[u] → [æv]	نویدن، نویستن، نوییدن، نوییدن	برساخته: نوانیدن [næv̩nidæn]
۷۱۷	[neviʃ]	نویش [neviʃ]		نویشتن	
۷۴۵	[næhɔr]	نهار [næhɔr]		نهاریدن	
۷۴۶	[nehɔr]	نهار [nehɔr]		نهاریدن	تصحیفی: نه‌ازیدن [nehɔzidæn]
۷۴۹	[næhɔv]	نهارو [næhɔv]		نهارویدن	تصحیفی: نه‌ادیدن [næhɔdidæn]
۷۴۷	[nohbɔn]	نهبان [nohbɔn]		نهبانیدن	
۷۲۲	[neheʃ]	نهش [neheʃ]		نہشتن	
۷۴۸	[nehɔf]	نهنب [nehɔf]	—	نہفتن، نہفتیدن، نہنیدن	تصحیفی: نہهیدن [nænæhidæn], [nænhidæn], [nænehidæn]
۷۴۹	[næhib]	نهب [næhib]		نهبیدن	
۷۲۲	[neh]	نه [neh]		نہیدن، نہادن، نہستن	
۷۵۰	[niɔz]	نیاز [niɔz]		نیازیدن	
۷۵۱	[niʃ]	نیش [niʃ]		نیشیدن	
۷۵۲	[niuʃ]	نیوش [niuʃ]		نیوشیدن	تصحیفی: نیوشیدن [juʃidæn]
۷۵۳	[næjund], [nejund]	نیوند [næjund], [nejund]		نیوندیدن	
۵۵۸	[vɔx]	واخ [vɔx]	—	واخیدن	برساخته: واخانیدن [vɔxɔnidæn]
۱۱۷	[vɔr]	وار [vɔr]		واریدن	
۷۵۴	[vɔz]	واز [vɔz]		وازیدن	
۱۷۷	[vɔʃkær]	واشکر [vɔʃkær]		واشکردن	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۱۲۷	[vɒl]	وال [vɒl]		والیدن [vɒlɪdæn]	
۱۲۰	[vɒ]	وا، وای [vɒ], [vɒj]		وائیدن، واییدن [vɒɪdæn], [vɒjɪdæn]	
۳۹۹	[væxʃ]	وخش [væxʃ]		وخشیدن [væxʃɪdæn]	
۱۵۴	[værz]	ورز [værz]		ورزیدن [værzɪdæn]	برساخته: ورزیدن [værzɒnɪdæn]
۷۵۵	[værsɒx]	ورساخت [værsɒx]	—	ورساختیدن [værsɒxɪdæn]	
۷۵۶	[væɾæʃ]	ورش [væɾæʃ]		ورشتن [væɾæʃtæn]	
۱۶۴	[væz]	وز [væz]		وزیدن [væzɪdæn]	برساخته: وزانیدن، وزانیدن [væzɒnɪdæn], [væzɒndæn]
۱۷۴	[vɔʒul]	وژول [vɔʒul]		وژولیدن [vɔʒulɪdæn]	
۷۵۷	[væʒ]	وژ [væʒ]		وژیدن [væʒɪdæn]	
۱۷۷	[væskær]	وسکر [væskær]		وسکردن، وسکریدن [væskærdæn], [væskærdɪdæn]	
۷۵۸	[væʃ]	وش [væʃ]		وشتن، وشتیدن [væʃtæn], [væʃtɪdæn]	
۱۷۷	[væʃkær]	وشکر [væʃkær]		وشکردن، وشکریدن، وشکریدن [væʃkærdæn], [væʃkæridæn], [væʃkærdɪdæn]	
۱۷۷	[væʃkul]	وشکول [væʃkul]		وشکولیدن [væʃkulɪdæn]	جای‌گزین: وشکلیدن [væʃkolɪdæn]
۷۵۹	[væʏæs]	وغن [væʏæs]		وغستن [væʏæstæn]	
۱۹۳	[vix]	ویز [vix]	[x] → [z]	ویختن، ویزیدن [vixtæn], [vizɪdæn]	
۷۶۰	[væj], [vej]	وی [væj], [vej]		ویدن، ویدیدن [væjdæn], [vejɪdæn], [væjɪdæn], [vejɪdæn]	
۲۴۶	[vɪrɒ]	ویر، ویرای [vɪrɒ], [pɪrɒj]		ویراستن [vɪrɒstæn]	
۷۶۱	[viʃ]	ویش [viʃ]		ویشیدن [viʃɪdæn]	
۷۶۲	[hɒʃ]	هاج [hɒʃ]		هاچیدن [hɒʃɪdæn]	برساخته: هاچانیدن [hɒʃɒnɪdæn]
۷۶۳	[hɒrʊn]	هارون [hɒrʊn]		هارونیدن [hɒrʊnɪdæn]	
۷۶۴	[hɒz]	هاز [hɒz]		هازیدن [hɒzɪdæn]	

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
۷۶۳	[hɒʒu]	هاژو، هاژوی	[hɒʒu], [hɒʒuj]	—	هاژوئیدن، هاژوئیدن
۷۶۴	[hɒʒ]	هاژ	[hɒʒ]		هاژیدن
۷۶۳	[hɒʒ]	هاژ	[hɒʒ]		هاژیدن
۷۶۵	[hɒs]	هاس	[hɒs]		هاسیدن
۷۶۵	[hæros]	هراس	[hæros]		هراسیدن
۷۶۶	[hæroʃ]	هراش	[hæroʃ]	—	هراشیدن
۷۶۷	[horuk]	هروک	[horuk]		هروکیدن
۷۲۲	[heʃ]	هش	[heʃ]		هشتن، هشیندن
۷۶۸	[hok]	هک	[hok]		هکیدن
۷۶۸	[hokk]	هک	[hokk]		هکیدن
۷۲۲	[hel]	هل	[hel]		هلیدن
۷۶۹	[hængɔr]	هنگار	[hængɔr]		هنگاریدن
۷۷۰	[hævɒs]	هواس	[hævɒs]		هواسیدن
۶۶۹	[hux]	هوخ	[hux]	—	هوختن، هوخیدن
۷۷۱	[huʃɒz]	هوشاز	[huʃɒz]		هوشازیدن
۷۷۲	[huʃ]	هوش	[huʃ]		هوشیدن
۶۶۹	[hix]	هنج	[hændʒ]	—	هینجتن، هنجیدن
۷۲۲	[hil]	هیل	[hil]		هیلیدن
۷۷۳	[jɒx]	یاز	[jɒz]	[x] → [z]	یاختن، یازدن، یازیدن
۱۱	[jɔr]	یار	[jɔr]		یارستن
۷۷۴	[jɔf]	یاب	[jɔb]	[f] → [b]	یافتن، یابیدن
۷۷۴	[jɒv]	یاو	[jɒv]		یاویدن
۷۷۵	[jæxʃu]	یخشا،	[jæxʃu], [jæxʃv]	[u] → [v]	یخشودن
					برساخته: یخشانیدن [jæxʃɒnidæn]

گروه	ریشه	بنِ حال	دگر دیسی	مصدر	مصدرِ جای‌گزین / برساخته / تصحیفی
		یخشای			
۷۷۶	[jæx]	یخ	[jæx]	یخیدن	برساخته: یخ‌نیدن [jæxɒnidæn]
۷۷۷	[jæʃ]	یش	[jæʃ]	یشتن	[jæʃtæn]
۷۷۸	[jek-sɒn], [jæk-sɒn]	یک‌سان	[jek-sɒn], [jæk-sɒn]	یک‌سانیدن	[jek-sɒnidæn], [jæk-sɒnidæn]
۷۷۹	[jek-sær], [jæk-sær]	یک‌سر	[jek-sær], [jæk-sær]	یک‌سریدن	[jek-særidæn], [jæk-særidæn]
۷۸۰	[jændʒu]	ینجا، ینجای	[jændʒɒ], [jændʒɔ]	ینجودن	[jændʒudæn]
۷۸۱	[jændʒ]	ینج	[jændʒ]	ینجیدن	[jændʒidæn]
۷۸۲	[jub]	یوب	[jub]	یوبیدن	[jubidæn]
۷۸۳	[jux]	یوز	[juz]	یوختن، یوزیدن	[juxtæn], [juzidæn]
۷۸۴	[juzæk]	یوزک	[juzæk]	یوزکیدن	[juzækidæn]
۷۸۴	[juz]	یوز	[juz]	یوزیدن	برساخته: یوز/نیدن [juzɒnidæn]
۷۸۳	[jus]	یوس	[jus]	یوسیدن	* [jusidæn]
۷۸۵	[juɣ]	یوغ	[juɣ]	یوغیدن	* [juɣidæn]
۷۸۶	[jon]	یون	[jon]	یونیدن	* [jonidæn]
۷۸۷	[jæh]	یه	[jæh]	یهیدن	* [jæhidæn]